سلسله مباحث مهدویت

تولد حضرت مهدی

علی اصغر رضوانی



بسم الله الرحمن الرحیم

تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تولد حضرت مهدی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱

عنوان و نام پدیدآور : تولد حضرت مهدی (علیه السلام)/ مولف علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۵

مشخصات ظاهری : ۹۶ ص.

فروست : سلسله مباحث مهدویت.

شابک : ۴۰۰۰ ریال ۹۶۴-۹۷۳-۰۱۷-۶ : ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ دوم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ پنجم: ۱۳۸۷.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- میلاد

موضوع : مهدویت-- انتظار

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۵۱/۳۵/ر۶ت۹ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۲۰۵۱۲

ص:۱

اشاره

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده اند و با پوچ گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجّه حضرت حقّ جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

ص:۹

چگونگی ولادت حضرت مهدی علیه السلام

حکیمه دختر امام جوادعلیه السلام گوید: امام حسن عسکری علیه السلام مرا به نزد خود فراخواند و فرمود: ای عمّه! امشب افطار نزد ما باش که شب نیمه شعبان است و خدای تعالی امشب حجّت خود را که حجّت او در روی زمین است ظاهر سازد. گوید: گفتم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس، گفتم: فدای شما شوم اثری در او نیست، فرمود: همین است که به تو می گویم، گوید آمدم و چون سلام کردم و نشستم نرجس آمد کفش مرا بردارد و گفت: ای بانوی من و بانوی خاندانم حالتان چطور است؟ گفتم: تو بانوی من و خاندان من هستی، گوید: از کلام من ناخرسند شد وگفت: ای عمّه جان! این چه فرمایشی است؟ گوید: بدو گفتم: ای دختر جان! خدای تعالی امشب به تو فرزندی عطا فرماید که در دنیا و آخرت آقاست، گوید: نرجس خجالت کشید و استحیا نمود.

و چون از نماز عشا فارغ شدم افطار کردم و در بستر خود قرار گرفته و خوابیدم و در دل شب برای ادای نماز برخاستم و آن را به جای آوردم در حالی که نرجس خوابیده بود و رخدادی برای وی نبود، سپس برای تعقیبات نشستم و پس از آن نیز دراز کشیدم و هراسان بیدار شدم و او هم چنان خواب بود سپس برخاست و نماز گزارد و خوابید.

ص:۱۱

حکیمه گوید: بیرون آمدم و در جست و جوی فجر به آسمان نگریستم و دیدم فجر اوّل دمیده است و او در خواب است، شک بر دلم عارض گردید ناگاه ابومحمّدعلیه السلام از محلّ خود فریاد زد ای عمّه! شتاب مکن! که اینجا کار نزدیک شده است. گوید: نشستم و به قراءت سوره الم سجده و سوره یس پرداختم و در این اثنا او هراسان بیدار شد و من به نزد او پریدم و بدو گفتم: اسم اللَّه بر تو باد آیا چیزی را احساس می کنی؟ گفت: ای عمّه! آری، گفتم: خودت را جمع کن و دلت را استوار دار که همان است که با تو گفتم. حکیمه گوید: مرا و نرجس را ضعفی فرا گرفت و به آواز سرورم به خود آمدم و جامه را از روی او برداشتم و ناگهان سرور خود را دیدم که در حال سجده است و مواضع سجودش بر زمین است او را در آغوش گرفتم دیدم پاک و نظیف است. ابومحمّدعلیه السلام فریاد برآورد که ای عمّه! فرزندم را به نزد من آور! او را نزد وی بردم و او دو کف دستش را گشود و فرزند را در میان آن قرار داد و دو پای او را بر سینه خود نهاد سپس زبانش را در دهان او گذاشت و دستش را بر چشمان و گوش و مفاصل وی کشید، سپس فرمود: ای فرزندم! سخن گوی، گفت: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله سپس درود بر امیرالمؤمنین و ائمّه فرستاد تا آن که بر پدرش رسید و زبان درکشید.

سپس ابومحمّدعلیه السلام فرمود: ای عمّه! او را به نزد مادرش ببر تا بر او سلام کند آن گاه به نزد من آور، پس او را بردم و بر مادر سلام کرد و او را باز گردانیده و در مجلس نهادم سپس فرمود: ای عمّه! چون روز هفتم فرار رسید نزد ما بیا.

ص:۱۲

حکیمه گویـد: چون صبح شـد آمدم تا بر ابو محمّدعلیه السـلام سـلام کنم و پرده را کنار زدم تا از سـرورم تفقّدی کنم، او را ندیدم، گفتم: فدای شـما شوم سـرورم چه می کند؟ فرمود: ای عمّه! او را به آن کسـی سپردم که مادر موسـی موسـی را به وی سپرد.

حکیمه گوید: چون روز هفتم فرا رسید آمدم و سلام کردم و نشستم فرمود: فرزندم را به نزد من آور! و من سرورم را آوردم و او در خرقه ای بود و با او همان کرد که اوّل بار کرده بود، سپس زبانش را در دهان او گذاشت و گویا شیر و عسل به وی می داد، سـپس فرمود: ای فرزندم! سـخن گوی! و او گفت: أَشْـهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلّا اللَّه و درود بر محمّد و امیر المؤمنین و ائمّه طاهرین فرسـتاد تا آن که بر پدرش رسید، سپس این آیه را تلاوت فرمود: بِسْمِ اللَّه الرَّحْمنِ الرَّحیم و ما اراده می کنیم که بر مستضعفان زمین منّت نهـاده و آنـان را ائمّه و وارثین قرار دهیم و آنـان را متمکّن در زمین سـاخته و به فرعون و هامـان و لشـکریان آن ها آنچه که از آن برحذر بودند بنمایانیم.

موسی بن محمّد راوی این روایت گوید از عقبه خادم از این قضیّه پرسش کردم، گفت: حکیمه راست گفته است.(۱)

محمّـد بن عبـداللَّه گوید: پس از درگذشت ابومحمّدعلیه السـلام به نزد حکیمه دختر امام جوادعلیه السـلام رفتم تا در موضوع حجّت و اختلاـف مردم و حیرت آن هـا درباره او پرسـش کنم. گفت: بنشـین، و من نشسـتم، سـپس گفت: ای محمّـد! خـدای تعالی زمین را از حجّتی ناطق و یا صامت خالی نمی گذارد و آن را پس از حسن

۱- ۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۱۴۳، ۱۴۷.

و حسین علیهما السلام در دو برادر ننهاده است و این شرافت را مخصوص حسن و حسین علیهما السلام ساخته برای آن ها عدیل و نظیری در روی زمین قرار نداده است جز این که خدای تعالی فرزندان حسین را بر فرزندان حسن علیهما السلام برتری داده، هم چنان که فرزندان هارون را بر فرزندان موسی به فضل نبوّت برتری داد، گرچه موسی حجّت بر هارون بود، ولی فضل نبوّت تا روز قیامت در اولاد هارون است و به ناچار بایستی امّت یک سرگردانی و امتحانی داشته باشند تا مبطلان از مخلصان جدا شوند و از برای مردم بر خداوند حجّتی نباشد و اکنون پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام دوره حیرت فرا رسیده است.

گفتم: ای بانوی من! آیا از برای امام حسن علیه السلام فرزندی بود؟ تبسّمی کرد و گفت: اگر امام حسن علیه السلام فرزندی نداشت پس امام پس از وی کیست؟ با آن که تو را گفتم که امامت پس از حسن و حسین علیه السلام در دو برادر نباشد. گفتم: ای بانوی من! ولادت و غیبت مولایم علیه السلام را برایم بازگو. گفت: آری، کنیزی داشتم که بدو نرجس می گفتند، برادر زاده ام به دیدارم آمد و به او نیک نظر کرد، بدو گفتم: ای آقای من! دوستش داری او را به نزدت بفرستم؟ فرمود: نه عمّه جان! امّا از او در شگفتم! گفتم: شگفتی شما از چیست؟ فرمود: به زودی فرزندی از وی پدید آید که نزد خدای تعالی گرامی است و خداوند به واسطه او زمین را از عدل و داد آکنده سازد، همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد، گفتم: ای آقای من! آیا او را به نزد شما بفرستم؟ فرمود: از پدرم در این باره کسب اجازه کن، گوید: جامه پوشیدم و به منزل امام هادی علیه السلام درآمدم، سلام کردم و نشستم و او خود آغاز سخن فرمود و گفت: ای حکیمه! نرجس را نزد فرزندم ابی محمّد

بفرست، گويد: گفتم: اى آقاى من! بدين منظور خدمت شما رسيدم كه در اين باره كسب اجازه كنم، فرمود: اى مباركه! خداى تعالى دوست دارد كه تو را در پاداش اين كار شريك كند و بهره اى از خير براى تو قرار دهد، حكيمه گويد: بى درنگ به منزل برگشتم و نرجس را آراستم و در اختيار ابومحمّد قرار دادم و پيوند آن ها را در منزل خود برقرار كردم و چند روزى نزد من بود سپس نزد پدرش رفت و او را نيز همراهش روانه كردم.

حكيمه گويد: امام هادى عليه السلام درگذشت و ابومحمّد بر جاى پدر نشست و من همچنان كه به ديدار پدرش مى رفتم به ديدار او نيز مى رفتم. يک روز نرجس آمد تا كفش مرا برگيرد و گفت: اى بانوى من كفش خود را به من ده! گفتم: بلكه تو سرور و بانوى منى، به خدا سوگند كه كفش خود را به تو نمى دهم تا آن را برگيرى و اجازه نمى دهم كه مرا خدمت كنى، بلكه من به روى چشم تو را خدمت مى كنم. ابو محمّدعليه السلام اين سخن را شنيد و گفت: اى عمّه! خدا به تو جزاى خير دهد و تا هنگام غروب آفتاب نزد امام نشستم و به آن جاريه بانگ مى زدم كه لباسم را بياور تا بازگردم! امام مى فرمود: خير، اى عمّه جان! امشب را نزد ما باش كه امشب آن مولودى كه نزد خداى تعالى گرامى است و خداوند به واسطه او زمين را پس از مردنش زنده مى كند متولّد مى شود، گفتم: اى سرورم! از چه كسى متولّد مى شود و من در نرجس آثار باردارى نمى بينم. فرمود: از همان نرجس نه از ديگرى. حكيمه گويد: به نزد او رفتم و پشت و شكم او را وارسى كردم و آثار باردارى در او نديدم، به نزد امام برگشتم و كار خود را بدو گزارش كردم، تبسّمى فرمود و گفت: در هنگام فجر آثار باردارى

برایت نمودار خواهد گردید، زیرا مَثَل او مَثَل مادر موسی علیه السلام است که آثار بارداری در او ظاهر نگردید و کسی تا وقت ولادتش از آن آگاه نشد، زیرا فرعون در جست و جوی موسی، شکم زنان باردار را می شکافت و این نظیر موسی علیه السلام است.

حکیمه گوید: به نزد نرجس برگشتم و گفتار امام را بدو گفتم و از حالش پرسش کردم، گفت: ای بانوی من! در خود چیزی از آن نمی بینم، حکیمه گوید: تا طلوع فجر مراقب او بودم و او پیش روی من خوابیده بود و از این پهلو به آن پهلو نمی رفت تا چون آخر شب و هنگام طلوع فجر فرا رسید هراسان از جا جست و او را در آغوش گرفتم و بدو «اسم اللّه» می خواندم، ابومحمّدعلیه السلام بانگ برآورده و فرمود: سوره إِنّا أَنْزَلْنا بر او بخوان! و من بدان آغاز کردم و گفتم: حالت چون است؟ گفت: امری که مولایم خبر داد در من نمایان شده است و من همچنان که فرموده بود بر او می خواندم و جنین در شکم به من پاسخ داد و مانند من قراءت کرد و بر من سلام نمود.

حکیمه گوید: من از آنچه شنیدم هراسان شدم و ابومحمّدعلیه السلام بانگ برآورد: از امر خدای تعالی در شگفت مباش، خدای تعالی ما را در خُردی به سخن در آورَد و در بزرگی حجّت خود در زمین قرار دهد و هنوز سخن او تمام نشده بود که نرجس از دیدگانم نهان شد و او را ندیدم گویا پرده ای بین من و او افتاده بود و فریاد کنان به نزد ابومحمّدعلیه السلام دویدم، فرمود: ای عمّه! برگرد، او را در مکان خود خواهی یافت.

گوید: بازگشتم و طولی نکشید که پرده ای که بین ما بود برداشته شد و دیدم

نوری نرجس را فرا گرفته است و توان دیدن آن را ندارم و آن کودک علیه السلام را دیدم که روی به سجده نهاده و دو زانو بر زمین نهاده است و دو انگشت سبّابه خود را بلند کرده و می گوید: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلّااللَّهُ (وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ)وَ أَنَّ جَدِّی محمَّداً رَسولُ اللَّهِ و أَنَّ أبی أمیرالمؤمنین»، سپس امامان را یکایک برشمرد تا به خودش رسید، سپس فرمود: بارالها! آنچه به من وعده فرمودی به جای آر، و کار مرا به انجام رسان و گامم را استوار ساز و زمین را به واسطه من پر از عدل و داد گردان. ابومحمّدعلیه السلام بانگ برآورد و فرمود: ای عمّه، او را بیاور و به من برسان. او را برگرفتم و به جانب او بردم، و چون او در میان دو دست من بود و مقابل او قرار گرفتم بر پدر خود سلام کرد و امام حسن علیه السلام او را از من گرفت و زبان خود در دهان او گذاشت و او از آن نوشید، سپس فرمود: او را به نزد مادرش ببر تا بدو شیر دهد، آن گاه به نزد من بازگردان. و او را به مادرش رسانیدم و بدو شیر داد و بعد از آن او را به ابو محمّدعلیه السلام باز گردانیدم در حالی که پرندگان در بالای سرش در طیران بودند، به یکی از آن ها بانگ برآورد و گفت: او را برگیر و نگاهدار و هر چهل روز یک بار به نزد ما بازگردان و آن پرنده او را برگرفت و به آسمان برد و پرندگان دیگر نیز به دنبال او بودند، شنیدم که ابومحمّدعلیه السلام می گفت: تو را به خدایی سپردم که مادر موسی موسی را سپرد، آن گاه نرگس گریست و امام بدو فرمود: خاموش باش که بر او شیر خوردن جز از سینه تو حرام است و به زودی نزد تو بازگردد همچنان که موسی به مادرش باز گردانیده شد و این قول خدای تعالی است که «فَرَدَدْناهُ إِلَی أُمِّهِ کَیْ تَقَرَّ عَیْنُها وَلَا تَحْزَنَ». حکیمه گوید: «گفتم: این پرنده چه بود؟ فرمود: این روح

القدس است که بر ائمّه علیهم السلام گمارده شده است، آنان را موفّق و مسدّد می دارد و به آن ها علم می آموزد.

حکیمه گوید: پس از چهل روز آن کودک بر گردانیده شد و برادر زاده ام به دنبال من کس فرستاد و مرا فراخواند و بر او وارد شدم و به ناگاه دیدم که همان کودک است که مقابل او راه می رود. گفتم: ای آقای من! آیا این کودکِ دو ساله نیست؟ تبسّم فرمود و گفت: اولاد انبیا و اوصیا اگر امام باشند به خلاف دیگران نشو و نما کنند و کودک یک ماهه ما به مانند کودک یک ساله باشد و کودک ما در رحم مادرش سخن گوید و قرآن تلاوت کند و خدای تعالی را بپرستد و هنگام شیرخوارگی ملائکه او را فرمان برند و صبح و شام بر وی فرود آیند.

حکیمه گوید: پیوسته آن کودک را چهل روز یکبار می دیدم تا آن که چند روز پیش از درگذشت ابومحمّدعلیه السلام او را دیدم که مردی بود و او را نشناختم و به برادرزاده ام گفتم: این مردی که فرمان می دهی در مقابل او بنشینم کیست؟ فرمود: این پسر نرجس است و این جانشین پس از من است و به زودی مرا از دست می دهید پس بدو گوش فرادار و فرمانش ببر.

حکیمه گوید: پس از چند روز ابومحمّدعلیه السلام درگذشت و مردم چنان که می بینی پراکنده شدند و به خدا سوگند که من هر صبح و شام او را می بینم و مرا از آنچه می پرسید آگاه می کند و من نیز شما را مطّلع می کنم و به خدا سوگند که گاهی می خواهم از او پرسشی کنم و او نپرسیده پاسخ می دهد و گاهی امری بر من وارد می شود و همان ساعت پرسش نکرده از ناحیه او

ص:۱۸

جوابش صادر می شود. شب گذشته مرا از آمدن تو باخبر ساخت و فرمود: تو را از حقّ خبردار سازم.

محمّـد بن عبـداللّه راوی حـدیث گوید: به خدا سوگند حکیمه اموری را به من خبر داد که جز خدای تعالی کسـی بر آن مطّلع نیست و دانسـتم که آن صدق و عدل و از جانب خدای تعالی است، زیرا خدای تعالی او را به اموری آگاه کرده است که هیچ یک از خلایق را بر آن ها آگاه نکرده است.(۱)

مبنای مؤلّفان حدیثی مصادر مهدویت

برخی می گوینـد: «معروف نزد قـدما چنین بـوده که هر روایـتی در مسائـل تـاریخی و از آن جمله موضـوع مهـدویت را بـدون بررسـی سـند آن نقل می کردنـد. ولی بعـد از آن عصـر، حرکت جدیدی پدید آمد و بین روایات تمییز داده شد، تا زمانی که حرکت اصولیین پدیـد آمـد و اخبار را به دسـته های مختلف از قبیل: صـحیح، حسن، قوی و ضـعیف تقسـیم نمودنـد، ولی این پیشرفت و حرکت شامل روایت های تاریخی که از آن جمله روایات مهدویت است، نگردید ... ».(۲)

در پاسخ آنان می گوییم:

۱ - آنچه از قدمای محدثین امامیه می دانیم آن است که آنان نهایت سعی و کوشش و احتیاط خود را در جمع و نقل احادیث در کتب خود داشـته انـد، که از آن جمله کلینی رحمه الله است. او نزد اهـل فن حـدیث، معروف به دقت نظر و احتیاط در نقل اخبار است. و نیز می دانیم که بزرگانی امثال شیخ طوسی رحمه الله چه اهتمام

۱- ۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۱۴۷ - ۱۵۴.

۲- ۳. تطور الفکر السیاسی، ص ۲۰۹.

وافری به شناخت شیوخ روایی خود داشته اند. شخصی مثل شیخ صدوق رحمه الله عادتاً شیوخ خود را می شناخته و نیز از حالات آنان از ایمان و عدالت آگاهی داشته است، و از کسی که او را نمی شناخته روایت نقل نمی کرده است.

۲ - ما اطمینان داریم که این بزرگان به صحت این گونه روایات که در باب امامت و مهدویت وارد شده اطمینان کامل داشته اند، و یا لااقلّ به جهت برخی قراین معتبر که همراه آن ها بوده و موجب جبران ضعف برخی از آن ها می شده، آن ها را با اطمینان کامل نقل می کردند. وگرنه جای این سؤال باقی است که امثال شیخ صدوق و طوسی و دیگران چه اهدافی غیر از احتجاج و استدلال به آن ها، داشته اند. مگر این نیست که شیخ صدوق کتابش را برای رفع حیرت در امر حضرت مهدی علیه السلام نوشته است؟

۳ - تمام یا بیشتر اصول و منابع اصلی احادیث مهدویت که در سه قرن اوّل نوشته شده به دست شیخ صدوق، طوسی و نعمانی رسیده و از خود به آن کتاب ها استناد داشته اند، و لذا به آن روایات استدلال می نمودند.

۴ - گرچه تقسیم حدیث به چهار قسم از اصطلاحات متأخرین است ولی قدمای محدثین از آن جمله شیخ طوسی رحمه الله روش خاصی در قبول خبر داشته اند.

شیخ بهایی بعد از تقسیم حدیث به چهار قسم معروف، می گوید: «این اصطلاح نزد قدما معروف نبوده بلکه آنان حدیث صحیح را به حدیثی اطلاق می کردند که مقرون به قراین مورد وثوق و اطمینان باشد. و این قراین انواعی دارد:

الف. وجود حدیث در اصول ۴۰۰ گانه حدیثی که نزد راویان مشهور بوده است.

ب. تکرار حدیث در یک یا دو اصل یا بیشتر از این اصول با سندهای متعدد و معتبر.

ج. وجود حدیث در اصلی که انتسابش به یکی از اصحاب ائمه ثابت و اجماع اصحاب بر صدق او بوده است.

د. وجود حدیث در یکی از کتبی که بر ائمه عرضه شده و آن حضرات، مصنّف آن کتب را تمجید نمودند، از قبیل کتاب: عبیداللّٰه بن علی حلبی که بر امام صادق علیه السلام عرضه شد.(۱)

ه. وجود حدیث در کتبی که نزد قدما مورد وثوق و اطمینان بوده است.(۲)

۵ – علمای رجال، مجهول را بر دو نوع تقسیم کرده اند:

الف. مجهول اصطلاحی: و آن به کسی اطلاق می شود که تصریح به جهالت او از سوی رجالیون شده باشد.

ب. مجهول لغوی: و آن به کسی اطلاق می شود که وضعیت او معلوم نیست و لذا در کتب رجال از او یادی به میان نیامده است. تنها قسم اول از جهالت است که موجب ضعف راوی است، و در مورد دوم احتیاج به بررسی دقیق دارد که سبب مطرح نشدن او در کتب رجال چیست؟ گاه ممکن است به جهت معروف بودنش درباره او سکوت کرده اند.(۳)

۱– ۴. رجال نجاشی، ص ۲۳۰.

۲– ۵. وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۱۹۷و۱۹۸.

۳– ۶. الرواشح، میرداماد، ص ۶۰ و ۶۱.

۶ – احتمـالی نیز وجود دارد که بنـای قـدما بر تمسک به «اصاله الصـدق و العـداله» باشـد. یعنی اصل اولی بر صـدق و عـدالت راوی است مگر آن که خلاف آن ثابت شود. و مقصود به آن، همان اصل عدم و یا استصحاب عدم فسق است. به همین جهت است که ما احتیاجی به اثبات عدالت – خواه به معنای ملکه یا حسن ظاهر – نداریم؛ زیرا احراز آن مستلزم تعطیل امور و تضییع بسیاری از مصالح است. کمتر کسی است که بتوان عدالت او را به اثبات رسانید. این مطلب مورد تأیید عقلا نیز هست.

۷ – برای اثبـات اعتبار روایات نبایـد تنها اعتبار سـندی را مطرح ساخت، بلکه بایـد به همه راه ها و اسـباب اعتبار شـخص توجه کرد و در نظر داشت که مبنـای بسـیاری از عالمـان شـیعه، بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان، حجیّت خبر موثوقٌ به است؛ یعنی خبری که از طرق مختلف به آن اطمینان و وثوق حاصل شود.

نسبت ضعف به احادیث ولادت

برخی می گویند: « ... مؤلّفان در مورد ولادت حضـرت مهدی علیه السلام به هر روایتی تمسک کرده اند در حالی که خود به ضعف سند آن ها پی برده اند ... ».(۱)

در پاسخ آنان می گوییم:

۱ – احادیث مربوط به ولادت حضـرت مهدی علیه السـلام به جهت وجود برخی از سندهای صحیح در میان آن ها کافی است که سند روایات دیگر که از ضعف

ص:۲۲

۱– ۷. تطور الفکر السیاسی، ص ۲۰۸.

برخوردارند، تقویت کند، و این مسلکی است که مورد قبول محدثین شیعه و اهل سنّت واقع شده است.(۱)

۲ - احـادیثی که دربـاره مسائـل مسـلّم اعتقـادی و کلامی است از آن جهت که نزد شـیعه ثابت بوده و به تأییـد قطعی عقل نیز رسـیده است، راویـان آن مورد جرح و تعـدیل قرار نگرفته انـد، و به طور کلی احتیـاجی به آن نبوده است، که از آن جمله می توان به احادیث مهدویت اشاره کرد.

۳ - احادیث ولادت حضرت مهدی علیه السلام که به دلالت مطابقی یا تضمنی یا التزامی دلالت بر ولادت حضرت دارد از حدّ لازم تواتر فراتر رفته است، لذا به جهت آن که مفید یقین است احتیاج به بررسی سندی ندارد. خبر متواتر، نقل جماعت کثیری است که اتفـاق شـان بر دروغ، محـال است. و می دانیم که در خبر متواتر لازم نیست که هر یک از راویان حـدیث از ثقات و عدول باشند، بلکه می توان از راه تراکم احتمالات به یقین رسید.

۴ - شـخص متتبّع بعد از ملاحظه وضع سیاسـی عصر امام عسکری علیه السلام و قبل و بعد از آن پی می برد که یکی از عوامل جهالت حال راویان احادیث ولادت حضـرت مهدی علیه السـلام همان فشارهای سیاسـی بوده که از طریق حاکمان ظلم و جور بر شـیعیان وارد شده است، و لذا بسـیاری از راویان، خود را با اسامی مستعار معرّفی می کردند تا شناخته نشوند، خصوصاً با در نظر گرفتن اینکه برخی از راویان از مناطق دور به سامرا می آمده و در مورد حضـرت سؤال می کردند و برای دیگران نقل می نمودند.

۱- ۸. سلسله الاحادیث الصحیحه، ناصرالدین البانی، ج ۴، ص ۳۵۸.

عوامل مؤثر در حصول یقین به ولادت

از آنجـا که اعتبـار خبر متواتر به جهت حصول یقین است، در مورد موضوع ولـادت امـام مهـدی علیه السـلام عواملی چنـد در حصول یقین به این موضوع دخالت داشته است:

۱ - احادیثی که به دلالت مطابقی بر ولادت امام مهدی علیه السلام و بشارت به آن حضرت دلالت دارد. که مجموع آن ها به ۲۱۴ حدیث می رسد.(۱)

۲ - روایاتی که در مورد سال ولادت حضرت رسیده است.(۲)

۳ - روایاتی که در رابطه با خصوصیات فردی امام زمان علیه السلام وارد شده است.(۳)

۴ - روایاتی که نصّ بر امامت آن حضرت دارد.(۴)

۵ - توقیعاتی که از ناحیه مقـدسه صادر شده است که عدد آن ها به ده ها توقیع می رسد، و در جای خود فهرستی از آن ها را آورده ایم.

۶ - تضییقات سیاسی که از ناحیه حکومت بنی العباس برای مواجهه و مقابله با حضرت و قتل ایشان گذاشته شده بود.

۷ - وجود چهار سفیر در عصر غیبت صغرا و ارتباط مردم با حضرت از طریق آن ها.

۸ - وکلای ناحیه مقدّسه که در کشورها و شهرهای مختلف وجود داشته اند.

۱- ۹. کمال الدین، ص ۴۰۷ - ۴۰۸ و ۴۲۴ - ۴۲۶ و ۴۳۰ - ۴۳۳ و ...

۲- ۱۰. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۴ و ۱۵ و ۱۷ و ۲۲.

۳- ۱۱. کمال الدین، ص ۴۷۵؛ الغیبه، طوسی، ص ۲۵۳ و ۲۵۵ و ۲۶۳ و ۲۶۶ و ۲۷۱ و ۲۹۸.

۴- ۱۲. کمال الدین، ص ۴۳۵.

۹ - عدّه زیادی که مشرّف به لقا و رؤیت حضرت مهدی علیه السلام شده اند.

۱۰ - معجزاتی که از حضرت مهدی علیه السلام صادر شده و در کتاب ها مکتوب است.

۱۱ - اعتراف علمای انساب به ولادت فرزند امام عسکری علیه السلام.

۱۲ - اجماع و تبنّی شیعه بر ولادت و وجود امام مهدی علیه السلام.

۱۳ - تصریح مورخان بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام.

۱۴ - مدّعیان سفارت دروغین از طرف امام زمان علیه السلام.

۱۵ - شهادت هر یک از معصومین علیهم السلام بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام.

احادیث صحیح السند در مورد ولادت

در بین احادیثی که دلالت بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام دارد پی به روایاتی می بریم که از سند صحیح یا حسن یا موثّقی برخوردار است. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - کلینی به سند صحیح اعلائی از محمّد بن عبداللّه و محمّد بن یحیی از عبداللّه بن جعفر حمیری نقل می کند که فرمود: «اجتمعت أنا والشیخ أبوعمرورحمه الله عند أحمد بن إسحاق فغمزنی أحمد بن إسحاق أن أسأله عن الخلف، فقلت له: یا أباعمرو! إنّی أرید أن أسألک عن شی ء وما أنا بشآکٍّ فیما أرید أن أسألک عنه، فإنّ اعتقادی ودینی أنّ الأرض لا تخلو من حجّه إلّا إذا کان قبل یوم القیامه بأربعین یوماً فإذا کان ذلک رفعت الحجّه وأغلق باب التوبه ... ولکنّی أحببت أن أزداد یقیناً. ثمّ قال: سل حاجتک؟ فقلت له: أنت رأیت الخلف من بعد أبی محمّدعلیه السلام فقال: أی واللّه ورقبته مثل ذا،

وأومأ بیده ... »؛(۱) «من و شیخ ابوعمرو – عثمان بن سعید عَمْری – خدمت احمد ابن اسحاق بودیم. احمد بن اسحاق به من اشاره کرد تا از ابوعمرو درباره جانشین امام عسکری علیه السلام سؤال کنم. به ابوعمرو گفتم: از تو سؤالی می پرسم که درباره آن شک ندارم، زیرا اعتقادم این است که زمین هیچ گاه از حجت خالی نمی ماند مگر چهل روز قبل از برپایی قیامت، که چون آن روز فرا رسد حجت برداشته و راه توبه بسته خواهد شد ... ولی من دوست دارم که بر یقینم افزوده شود ... سپس گفت خواسته ات را سؤال کن، سؤالم این است که: آیا جانشین امام عسکری علیه السلام را دیده ای؟ ابوعمرو فرمود: آری به خدا سوگند، گردن او چنین بود، و با دست اشاره کرد ... ». شیخ صدوق رحمه الله نیز این حدیث را با سند صحیح نقل کرده است.(۲)

۲ – و نیز کلینی به سند صحیح از حسین بن علا نقل کرده که گفت: «قلت لأبی عبد اللّه علیه السلام: تكون الأرض ليس فيها إمام؟ قال: لا.»؛(۳) «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا ممکن است که زمین بدون امام باشد؟ حضرت فرمود: هرگز.»

۳ – و نیز به سندی دیگر که آن هم صحیح است از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «إنّ الأرض لا تخلو إلّا وفيها إمام»؛(۴) «همانا زمین هرگز از وجود امام خالی نمی گردد.»

۴ – و نیز به سند صحیح از حسن بن علی وشاء نقل می کند که از امام رضاعلیه السلام سؤال کردم: «هل تبقى الأرض بغير إمام؟ قال: لا. قلت: إنّا نروى أنّها لا تبقى إلّا أن يسخط اللّه عزّوجلّ على العباد. قال: لا تبقى إذا لساخت»؛(۵)

ص:۲۶

۱– ۱۳. کافی، ج ۱، ص ۳۲۹و ۳۳۰، با تلخیص.

۲– ۱۴. کمال الدین، ص ۴۴۱.

۳– ۱۵. کافی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۱.

۴– ۱۶. همان، ح ۲.

۵– ۱۷. همان، ص ۱۷۹، ح ۱۳.

«آیـا زمین بـدون امـام بـاقی می مانـد؟ حضـرت فرمود: هرگز. عرض کردم: ما چنین روایت می کنیم که زمین از حجت خالی نمی مانـد مگر آن که خداونـد بر بنـدگانش غضب کنـد؟ حضـرت فرمود: زمین «بـدون حجت» باقی نمی مانـد، و در غیر این صورت مضطرب می شود.»

۵ - و نیز بـه سـند صـحیح از ابی هـاشم جعفری نقـل می کنـد که گفت: «قلت لأبی محمّدعلیه السلام: جلالتک تمنعنی من مسألتک فتأذن لی أن أسألک؟ فقال: سل. قلت: یا سیّدی! هل لک ولد؟ فقال: نعم. فقلت: فإن بک حدث فأین أسال عنه. فقال: بالمدینه»؛(۱) «به امام عسکری علیه السلام عرض کردم: جلالت شما مرا مانع شده تا مسأله ای را از شما سؤال کنم، آیا اجازه می دهیـد تا از شـما بپرسم؟ حضـرت فرمود: سؤال کن. عرض کردم: ای آقای من! آیا برای شـما فرزندی هست؟ فرمود: آری. عرض کردم: اگر حادثه ای برای شما اتفاق افتاد، کجا از او سؤال کنم؟ فرمود: در مدینه.»

۶ - و نیز به سـند صـحیح از محمّـد بن علی بن بلال نقل کرده که فرمود: «خرج إلیّ من أبی محمّـد قبل مضـیّه بسـنتین یخبرنی بـالخلف من بعـده ثمّ خرج إلیّ من قبـل مضـیّه بثلاثه أیّام یخبرنی بالخلف من بعـده»؛(۲) «دو سـال قبل از شـهادت امام حسـن عسـکری علیه السلام نامه ای از حضـرت به دسـتم رسـید که در آن خبر از جانشـین آن حضرت داده بود. و نیز سه روز قبل از شهادتشان نامه ای دیگر رسید که باز خبر از جانشین بعد از خود دادند.»

۷ - کلینی نیز به سند صحیح از زراره نقل می کند که از امام صادق علیه السلام

۱- ۱۸. همان، ص ۳۲۸، ح ۲.

۲- ۱۹. همان، ح ۱.

شنیـدم که فرمود: «إنّ للغلام غیبه قبـل أن یقوم. قال قلت: ولِمَ؟ قال: یخاف وأومأ بیـده إلی بطنه، ثمّ قال: یا زراره! وهو المنتظر وهو الّذی یشکّ فی ولادته»؛(۱) «همانا برای آن کـودک قبـل از قیـام غیبـتی است. عرض کردم: برای چه؟ فرمـود: به جهت خوف، و اشاره به شکم مبارک کرد. آن گاه فرمود: ای زراره! و او همان منتظری است که در ولادت او شک می شود ... ».

۸ - صـدوق به سـند تام از داوود بن قاسم جعفری نقل کرده که امام هادی علیه السـلام می فرمود: «الخلف من بعـدی الحسن، فکیف لکم بـالخلف من بعـد الخلف؟ فقلت: ولِمَ جعلنی اللّه فـداک؟ فقـال: إنّکم لا ترون شـخصه ولا یحلّ لکم ذکره باسـمه. فقلت: فکیف نـذکره؟ فقال: قولوا الحجّه من آل محمّدعلیهم السـلام»؛(۲) «جانشـین بعـد من فرزنـدم حسن است. پس چگونه است شما را نسبت به جانشین از بعد این جانشین؟ عرض کردم: چگونه، خداوند مرا فدای تو گرداند؟ فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید، و برای شـما حلال نیست که نام او را ببرید. عرض کردم: پس چگونه نام او را ببریم؟ فرمود: بگویید: حجت از آل محمّدعلیهم السلام.»

خبر از ولادت امام مهدی علیه السلام

برخی می گوینـد: خبر ولاـدت حضـرت مهـدی علیه السـلام تنها از حکیمه نقل شـده است در حالی که این چنین نیست، بلکه عدّه زیادی از اصحاب امام

۱- ۲۰. همان، ص ۳۳۷، ح ۵.

۲- ۲۱. کمال الدین، ص ۳۸۱، ح ۵؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۳.

عسکری علیه السلام و دیگران از ولادت امام زمان علیه السلام خبر داده اند، و برخی نیز آن حضرت را در غیبت صغرا یا کبرا دیده اند. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - ابوالفضل حسین بن حسن علوی می گوید: «دخلت علی أبی محمد الحسن بن علی علیهما السلام بسرّ من رأی فهنّأته بولاده ابنه القآئم»؛(۱) «بر امام عسکری علیه السلام در سامرا وارد شدم تا در ولادت صاحب الزمان علیه السلام به آن حضرت تهنیت بگویم.»

۲ - احمد بن محمّد می گوید: «خرج عن أبی محمدعلیه السلام حین قتل الزبیری: هذا جزآء من افتری علی اللَّه تبارک وتعالی فی أولیائه زعم أنّه یقتلنی ولیس لی عقب، فکیف رأی قدره اللَّه عزّوجلّ. وولد له وسمّاه م ح م د سنه ستّ و خمسین ومأتین»؛(۲) «بعد از کشته شدن زبیری نامه ای از امام عسکری علیه السلام به دستم رسید که در آن نوشته شده بود: این جزای کسی است که بر خدا و اولیایش افترا ببندد، و گمان کند که می تواند بدون جانشین، مرا بکشد، و قدرت خدا را چگونه دیده است. آن گاه می گوید: فرزندی برای آن حضرت در سال ۲۵۵ زاییده شد که اسم ایشان را «محمّد» گذاشت.»

۳ - ابو هاشم جعفری می گوید: «قلت لأبی محمّدعلیه السلام: جلالتک تمنعنی من مسألتک، فتأذن لی أن أسألک. فقال: سل! قلت: یا سیّدی! هل لک ولد؟ فقال: نعم ... »؛(۳) «به امام عسکری علیه السلام عرض کردم: «جلالت شما مانع از سؤال کردن من

۱- ۲۲. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۷، ح ۲۴.

۲- ۲۳. همان، ص ۴، ح ۴.

۳- ۲۴. کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲.

است، آیـا اجـازه سؤال به من می دهیـد؟ حضـرت فرمود: سؤال کن. عرض کردم: ای آقای من! آیا برای شـما فرزنـدی است؟ فرمود: آری ... ».

۴ – صـدوق از نسـیم، خادم امام عسـکری علیه السـلام نقل می کنـد: «قـد دخلت علیه بعـد مولـده بلیله فعطست عنده فقال لی: یرحمـک اللَّه! قـالت نسـیم: فرحت بـذلک، فقـال لی: ألا أبشّـرک فی العطاس؟! فقلت: بلی یا مولای! فقال: هو أمان من الموت ثلاثه أیّام»؛(۱) «بر حضـرت صاحب الزمان علیه السـلام بعـد از گـذشت یک شب از ولادتش داخل شدم، نزد او عطسه کردم، حضـرت فرمود: یرحمـک اللَّه. من از این جمله خوشـحال شـدم. آن گـاه فرمود: آیـا می خواهی تو را در عطسه بشـارت دهم؟ عرض کردم: بلی ای مولای من. فرمود: عطسه تا سه روز انسان را از مرگ در امان می دارد.»

۵ – شـیخ طوسـی به سندش از نسیم و ماریه نقل کرده است: «لمّا خرج صاحب الزمان علیه السلام من بطن أمّه سقط جاثیاً علی رکبتیه، رافعاً سـبابته نحو السمآء ثمّ عطس. فقال: الحمد للَّه ربّ العالمین وصلّی اللَّه علی محمّد و آله عبداً ... زعمت الظلمه أنّ حجّه اللَّه داحضه ولو أذن لنا فی الکلام لزال الشکّ»؛(۲) «هنگامی که صاحب الزمان علیه السلام از شکم مادرش بیرون آمد بر دو زانوی خود قرار گرفت، انگشت سـبابه خود را به طرف آسـمان اشاره کرد، سـپس عطسه ای کرد و فرمود: «الحمـد للَّه ربّ العالمین و صـلّی اللَّه علی محمّد و آله عبداً داخراً غیر مسـتنکف و لامستکبر». آن گاه فرمود: ظالمان گمان کرده اند که حجّت خدا زایل خواهد شد، و اگر برای ما اذن در کلام داده شود به طور حتم شک زایل خواهد شد.»

۱– ۲۵. کمال الدین، ص ۴۳۰، ح ۵.

۲– ۲۶. الغیبه، طوسی، ص ۲۴۵.

۶ - شیخ طوسی رحمه الله روایتی را از کامل بن ابراهیم مدنی و قصه ملاقات او با امام عسکری علیه السلام نقل کرده که در آن چنین آمده است: «فجاءت الریح فکشفت طرفه فإذا أنا بفتیً کأنّه فلقه قمر من أبنآء أربع سنین أو مثلها، فقال لی: یا کامل بن ابراهیم! فاقشعررت من ذلک وألهمت أن قلت: لبیک یا سیدی! فقال: جئت إلی ولیّ اللّه وحجّته وبابه تسأله هل یدخل الجنّه إلّا من عرف معرفتک؟ وقال بمقالتک؟ فقلت: ای واللّه»؛(۱) « ... بادی زد و پرده کنار رفت، ناگهان کودکی را به مانند پاره ماه با حدود چهار سال سن یا همین اندازه مشاهده کردم. به من فرمود: ای کامل بن ابراهیم! بدنم از این خطاب لرزید و الهام شدم که بگویم: لبیک ای آقای من! حضرت فرمود: تو نزد ولی خدا و حجت و باب او آمده ای تا از او سؤال کنی آیا به جز کسی که مثل معرفت تو را داشته و همانند تو می گوید داخل بهشت می شود؟ عرض کردم: آری ... ».

۷ - عمرو اهوازی می گوید: «أرانی أبومحمدعلیه السلام ابنه وقال هذا صاحبکم بعدی»؛(۲) «امام عسکری علیه السلام فرزند خود را به من نشان داد و فرمود: این صاحب شما بعد از من است.»

شیخ حرّ عاملی رحمه الله می گوید: «کلینی و دیگران به سند هایشان نقل کرده اند که جماعت زیادی امام زمان علیه السلام را بعد از ولادتش ملاقات کردند که از آن جمله عبارتند از: محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر، حکیمه دختر محمّد بن علیّ عموی پدرش، ابوعلی بن مطهر، خادم ابراهیم بن عبده، ابو عبداللّه

۱- ۲۷. همان، ص ۲۴۷.

۲- ۲۸. الارشاد، ج ۲، ص ۳۴۸.

بن صالح، ابراهیم بن ادریس، جعفر بن علی عمویش، عمرو اهوازی، ظریف خادم، فارسی، مدائنی و دیگران».(۱)

۸ – معاویه بن حکیم و محمّد بن ایوب بن نوح و محمّد بن عثمان عَمْری می گویند: «عرض علینا أبومحمد الحسن بن علی علیهما السلام ونحن فی منزله وکنّا أربعین رجلاً. فقال: هذا إمامکم من بعدی وخلیفتی علیکم أطیعوه ولا تتفرّقوا من بعدی ...»؛(۲) «امام عسکری علیه السلام در منزل خود فرزندش را بر ما که چهل نفر بودیم عرضه داشت و فرمود: این امام شما بعد از من و جانشین من بر شماست، او را اطاعت کنید و بعد از من متفرّق نشوید ...».

خبر رسول خداصلی الله علیه وآله از ولادت

از ۱۰۷ حدیث شهادت به ولادت آن حضرت از ناحیه رسول خداصلی الله علیه وآله استفاده می شود.

ابن عباس از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «إنّ اللَّه تبارک وتعالی أطلع إلی الأرض أطلاعه فاختارنی منها فجعلنی نبیّاً، ثم أطلع الثانیه فاختار منها علیّاً فجعله إماماً، ثم أمرنی أن اتّخذه أخاً وولیّاً ووصیّاً وخلیفهً ووزیراً، فعلیّ منّی وأنا من علیّ وهو زوج ابنتی وأبو سبطی الحسن والحسین. ألا وأنّ اللَّه تبارک وتعالی جعلنی وإیّاهم حججاً علی عباده وجعل من صلب الحسین أئمّه یقومون بأمری ویحفظون وصیّتی، التاسع

۱– ۲۹. اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۴۲.

۲– ۳۰. کمال الدین، ص ۴۳۵.

منهم قآئم أهل بيتى ومهدىّ أمّتى، أشبه الناس بى شمائله وأقواله وأفعاله، يظهر بعد غيبه طويله وحيره مضلّه ... »؛(۱) «خداوند تبارک و تعالی توجّهی بر زمین کرد و مرا انتخاب نمود و من را نبی قرار داد سپس بار دوم توجهی کرد و علی را از روی زمین انتخاب نمود و او را امام قرار داد و مرا امر نمود که او را برادر و ولیّ و وصیّ و خلیفه و وزیر خود قرار دهم، پس علی از من و من از علی ام، او شوهر دختر من و پدر دو نوه ام حسن و حسین است. آگاه باشید! که خداوند تبارک و تعالی من و آنان را حجت هایی بر بندگانش قرار داده است. و از صلب حسین امامانی قرار داد که به امر من قیام کرده و وصیت مرا حفظ خواهند نمود. نهمین از آن ها قائم اهل بیت من و مهدی امّت من است. شبیه ترین مردم به من در شمایل و اقوال و افعال است. بعد از غیبت طولانی و حیرت گمراه کننده ظهور می کند ... ».

خبر حضرت علی علیه السلام از ولادت

اصبغ بن نباته می گوید: «أتیت أمیر المؤمنین علیه السلام فوجدته متفکّراً ینکت فی الأرض، فقلت: یا أمیر المؤمنین! ما لی أراک متفکّراً تنکت فی الأرض، أ رغبهً منک فیها؟ فقال: لا واللّه ما رغبتُ فیها ولا فی الدنیا یوماً قطّ، ولکنّی فکّرتُ فی مولودٍ یکون من ظهری الحادی عشر من ولدی، وهو المهدیّ الّذی یملأ الأرض عدلاً وقسطاً کما ملئت جوراً وظلماً، تکون له غیبه وحیره یضلّ فیها أقوام ویهتدی فیها آخرون ... »؛(۲) «خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیدم،

ص:۳۳

۱- ۳۱. کمال الدین، ص ۲۵۷.

۲- ۳۲. کافی ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷؛ کمال الدین، ص ۲۸۹.

دیـدم که در فکر فرو رفته و با چوب دستی بر زمین می زند. عرض کردم: ای امیرالمؤمنین! چه شده که شـما را متفکر می بینم و چوب در زمین فرو می بریـد، آیا در آن رغبتی پیدا کرده اید؟ حضـرت فرمود: نه به خدا سوگند، من حتّی یک روز به زمین و دنیـا رغبت ننمـودم، ولی در مولودی فکر می کردم که از پشت من است، او یـازدهمین فرد از اولاـد من است. او مهـدی ای است که زمین را پر از عـدل خواهـد کرد آن گونه که از جور و ظلم پر شـده باشـد. از برای او حیرت و غیبتی است که اقوامی در آن گمراه و گروهی نیز در آن هدایت می یابند ... ».

خبر امام حسن علیه السلام از ولادت

در حـدیثی از امـام حسن مجتبی علیه السـلام روایت شـده که فرمود: «الأـئمّه بعـد رسول اللَّه صـلی الله علیه وآله اثنی عشـر من صلب أخی الحسین ومنهم مهدیّ هذه الأمّه»؛(۱) «امامان بعد از رسول خداصـلی الله علیه وآله دوازده نفرند، (نه نفر از آنان) از صلب برادرم حسین است، و از آنان مهدی این امت است.»

خبر امام حسین علیه السلام از ولادت

صـدوق رحمه الله به سـندش از امـام حسـین علیه السـلام نقل کرده که فرمود: «فی التاسع من ولـدی سـنّه من یوسف وسـنّه من موسی بن عمران وهو قآئمنا أهل البیت یصلح اللَّه تبارک وتعالی أمره فی لیله واحده»؛(۲) «در نهمین از فرزندانم سنّتی

۱- ۳۳. بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۳، ح ۱.

۲- ۳۴. کمال الدین، ص ۳۱۷؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

از یوسف و سنتی از موسی بن عمران علیه السلام است. او قائم ما اهل بیت است. خداوند متعال امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود.»

و نیز از آن حضرت روایت شده که فرمود: «قآئم هذه الأمّه هو التاسع من ولدی وهو صاحب الغیبه وهو الّذی یقسم میراثه وهو حیّ»؛(۱) «قائم این امت همان نهمین از فرزندان من است، و اوست صاحب غیبت. و اوست کسی که میراث او در حالی که زنده است تقسیم می شود.»

عبدالرحمن بن سلیط از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «ومنّا اثنی عشر مهدیّاً، أوّلهم أمیر المؤمنین علیّ بن أبی طالب وآخرهم التاسع من ولدی وهو القآئم بالحقّ، یحیی اللّه به الأرض بعد موتها ... »؛(۲) «از ما دوازده مهدی است که اول آن ها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و آخر آن ها نهمین از فرزندانم می باشد، و اوست امام قائم به حق که خداوند زمین را به واسطه او بعد از هلاکتش زنده خواهد گردانید ... ».

خبر امام سجادعلیه السلام از ولادت

فرزند امام زین العابدین علیه السلام از حضرت سؤال کرد: «یا أبه! ولِمَ سمّیته الباقر؟ قال: فتبسّم وما رأیته یتبسّم قبل ذلک ... ثم قال: یا بنیّ! إنّ الإمامه فی ولده إلی أن یقوم قآئمناعلیه السلام فیملأها قسطاً وعدلاً، کما ملئت ظلماً وجوراً وأنّه الإمام وأبو الأئمّه، معدن الحلم وموضع العلم یبقره بقراً واللّه لهو أشبه

۱- ۳۵. همان.

۲- ۳۶. همان.

الناس برسول اللَّه صلی الله علیه وآله فقلت: فکم الأئمّه بعده؟ قال: سبعه ومنهم المهدیّ الّذی یقوم بالدین فی آخر الزمان»؛(۱) «ای پدر! چرا برادرم را باقر نامیدی؟ ایشان تبسمی فرمودند که من پیش از آن چنین ندیده بودم سپس حضرت فرمود: «ای فرزندم! همانا امامت در اولاد او خواهد بود تا قائم ما قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد و اوست امام، پدر امامان، معدن حلم و موضع علم، علم را خواهد شکافت. به خدا سوگند! هر آینه او شبیه ترین مردم به رسول خداصلی الله علیه وآله است. عرض کردم: امامان بعد از او چند نفرند؟ فرمود: «هفت نفر که از میان آن ها مهدی است که در آخرالزمان به دین قیام خواهد کرد.»

خبر امام باقرعلیه السلام از ولادت

مسعودی در «اثبات الوصیه» به سند خود از علی بن ابی حمزه نقل کرده که فرمود: من با ابوبصیر بودم و با ما نیز یکی از موالیان امام باقرعلیه السلام بود. او برای ما نقل کرد که از امام باقرعلیه السلام شنیده که فرمود: «منّا اثنی عشر محدثاً، السابع من ولدی القآئم ... »؛(۲) «از ما دوازده محدّث است، هفتمین بعد از من قائم است ... ».

خبر امام صادق علیه السلام از ولادت

صدوق به سندش در حدیث مفضّلی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

۱- ۳۷. بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۸، ح ۳.

۲- ۳۸. اثبات الوصیه، ص ۲۸۳؛ بحارالأنوار، ج ۳۶، ص ۳۹۵، ح ۱۱.

« ... ستقع بالسادس من ولدی وهو الثانی عشر من الأئمّه الهداه بعد رسول اللَّه صلی الله علیه وآله، أوّلهم أمیر المؤمنین علیّ بن أبی طالب وآخرهم القآئم بالحقّ بقیّه اللَّه فی الأرض وصاحب الزمان ... »؛(۱) « ... همانا زود است که ششمین فرزند من غایب شود، و او دوازدهمین نفر از امامان هدایت گر بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله است که اوّل آن ها امیرالمؤمنین و آخر آن ها قائم بحقّ بقیهاللَّه در روی زمین و صاحب الزمان است ... ».

و نیز به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «من أقرّ بجمیع الأئمّه وجحد المهدیّ کان کمن أقرّ بجمیع الأنبیآء وجحد محمّداًصلی الله علیه وآله نبوّته. فقیل له: یابن رسول اللَّه! فمن المهدیّ من ولدک؟ قال: الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصه ولا یحلّ لکم تسمیته»؛(۲) «هر کس به جمیع ائمه اقرار کند ولی مهدی را انکار کند مثل کسی است که اقرار به جمیع انبیا کرده ولی محمّدصلی الله علیه وآله را انکار کرده است. به حضرت عرض شد: ای فرزند رسول خدا! چه کسی از فرزندان تو مهدی است؟ فرمود: پنجمین از اولاد هفتم، کسی که از شما غایب می شود و نام بردن او بر شما حلال نیست.»

و نیز در حدیثی از ابی بصیر نقل می کند که فرمود: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «ومن القآئم منکم أهل البیت؟ فقال: یا أبابصیر! هو الخامس من ولد ابنی موسی ذلک ابن سیّده الإمآء یغیب غیبه یرتاب فیها المبطلون ثمّ یظهره

۱- ۳۹. کمال الدین، ص ۳۳؛ بحارالأنوار، ج ۴۲، ص ۷۹، ح ۸.

۲- ۴۰. کمال الدین، ص ۳۳۳، ح ۱.

اللّه عزّوجلّ فیفتح علی یـده مشارق الأرض ومغاربها ... »؛(۱) «ای فرزنـد رسول خدا! قائم از شـما اهل بیت کیست؟ حضـرت فرمود: ای ابابصـیر! او پنجمین فرزند از اولاد فرزندم موسـی است، او فرزند بهترین زنان است، غیبتی دارد که در آن اهل باطل شک خواهنـد کرد، آن گاه خداونـد عزّوجلّ او را ظاهر کرده و به دست او مشـرق ها و مغرب های زمین را فتـح خواهد نمود ... ».

خبر امام کاظم علیه السلام از ولادت

یونس بن عبـدالرحمن می گویـد: بر حضـرت موسـی بن جعفرعلیهمـا السـلام وارد شـدم و عرض کردم: «یابن رسول اللّه! أنت القآئم بالحقّ؟! قال: أنا القائم بالحقّ ولکنّ القآئم الّذی یطهّر الأرض من أعـدآء اللّه ویملأها عـدلاً وقسـطاً کما ملئت جوراً، هو الخامس من ولـدی، له غیبه یطول أمـدها ... »؛(۲) «ای فرزنـد رسول خـدا! آیا شـما قائم به حقّید؟ حضـرت فرمود: من قائم به حقّم، ولی قائمی که زمین را از دشـمنان خـدا پاک می کنـد و آن را از عـدل و داد پر می نماید آن طوری که از جور پر شده باشد، پنجمین نفر از اولاد من است، برای او غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد بود ... ».

و نیز صدوق به سـندش از حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام نقل کرده که فرمود: «إذا فقد الخامس من ولد السابع فاللّه اللّه فی أدیانکم ... »؛(۳) «هر گاه که پنجمین فرزند از فرزندان امام هفتم غایب شد خدا را خدا را در دین هایتان ... ».

۱- ۴۱. کمال الدین، ص ۳۴۵، ح ۳۱؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۴.

۲- ۴۲. اعلام الوری، ص ۴۳۳.

۳- ۴۳. کمال الدین، ص ۳۵۹، ح ۱.

خبر امام رضاعلیه السلام از ولادت

حسین بن خالد در حدیثی می گوید: به امام رضاعلیه السلام عرض شد: « ... ومن القآئم منکم أهل البیت؟ قال: الرابع من ولدی ابن سیّده الإمآء یطهّر اللَّه به الأرض من کلّ جور، ویقدّسها من کلّ ظلم، وهو الّذی یشکّ الناس فی ولادته وهو صاحب الغیبه قبل خروجه»؛(۱) «قائم از شما اهل بیت کیست؟ حضرت فرمود: «چهارمین از اولادم، فرزند بهترین زنان، خداوند به واسطه او زمین را از هر گونه ظلم و جور پاک و مقدس خواهد کرد. و او کسی است که مردم در ولادتش شک کنند، و او کسی است که قبل از خروجش غیبت خواهد نمود ... ».

دعبل خزاعی می گوید: قصیده ای را برای مولایم امام علی بن موسی الرضاعلیه السلام انشاد کردم. هنگامی که به این اشعار رسیدم:

خروج إمام لا محاله واقع

یقوم علی اسم اللَّه و البرکات

یمیّز فینا کلّ حقّ و باطل

و یجزی علی النّعمآء و النقمات

«خروج امام به طور حتم واقع خواهد شد. او که بر اسم خدا و برکات قیام خواهد کرد. در بین ما هر حق و باطلی را تمییز خواهد داد. و بر نعمت ها و مصیبت ها جزا خواهد داد.»

«بکی الرضاعلیه السلام بکاءاً شدیداً، ثمّ رفع رأسه إلیّ، فقال لی: یا خزاعی! نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین فهل تدری من هذا الإمام ومتی یقوم؟ فقلت: لا یا مولای إلّا أنّی سمعت بخروج إمام منکم یطهّر الأرض من الفساد ویملأها عدلاً. فقال: یا دعبل! الإمام بعدی محمد ابنی، وبعد محمد

۱- ۴۴. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱، ح ۲۹.

ابنـه علیّ، وبعـد علیّ ابنـه الحسن، وبعـد الحسن ابنه الحجّه القآئم المنتظر فی غیبته المطـاع فی ظهـوره ... »؛(۱) «امام رضاعلیه السـلام گریه شدیـدی کرد، پس سـرش را به سـوی من بلنـد کرد آن گـاه فرمـود: ای خزاعی! روح القـدس بر زبـان تو به نطق درآمـد، آیا می دانی که این امام کیست؟ و کی قیام می کند؟ عرض کردم: خیر، ای مولای من جز آن که شـنیده ام که امامی از شـما خروج خواهد کرد و زمین را از فساد پاک خواهد نمود و پر از عدل و داد خواهد نمود. حضرت فرمود: همانا امام بعد از من فرزنـدم محمّـد است، و بعـد از محمّـد فرزنـدش علی، و بعد از علی فرزندش حسن، و بعد از حسن فرزندش حجت قائم است، او کسی است که در غیبتش منتظر و در هنگام ظهورش مطاع خواهد بود ... ».

خبر امام جوادعلیه السلام از ولادت

در حدود ۹۰ حدیث از امام جوادعلیه السلام اشاره به ولادت حضرت مهدی علیه السلام شده است.

صدوق به سندش از عبدالعظیم حسنی نقل کرده که فرمود: من بر محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السـلام وارد شدم و می خواسـتم تا از قائم سؤال کنم که آیا او مهدی است یا شـخص دیگر؟ حضـرت در ابتـدا فرمود: «یا أباالقاسم! إنّ القآئم منّا هو المهـدیّ الّـذی یجب أن ینتظر فی غیبته ویطاع فی ظهوره وهو الثالث من ولدی»؛(۲) «ای اباالقاسم!

۱- ۴۵. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۱؛ بحارالأنوار، ج ۴۹، ص ۲۳۷.

۲- ۴۶. کمال الدین، ص ۳۷۷، ح ۱؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶، ح ۱.

همانـا قائم از ما مهـدی است که واجب است در غیبت او به انتظار نشسـته شود و در ظهورش اطاعت شود. و او سومین از اولاد من است.»

صدوق رحمه الله به سـندش از صقر بن ابی دلف نقل کرده که از امام جوادعلیه السلام شنیدم که می فرمود: «الإمام بعدی اِبنی علیّ، أمره أمری وقوله قولی وطـاعته طـاعتی، والإمام بعـده ابنه الحسن أمره أمر أبیه وقوله قول أبیه وطاعته طاعه أبیه. ثمّ سـکت فقلت له: یـابن رسول اللّه! فمن الإمام بعـد الحسن؟ فبکی علیه السـلام بکآءً شدیـداً، ثم قال: إنّ من بعـد الحسن ابنه القآئم الحقّ المنتظر ... »؛(۱) «امام بعـد از من فرزنـدم علی است، امر او امر من و قول او قول من و طاعت او طاعت من است. و امام بعد از او فرزنـدش حسن است. امر او امر پـدرش، و قول او قول پـدرش، و طـاعت او طـاعت پـدرش می باشـد. آن گـاه ساکت شـد. عرض کردم: ای فرزنـد رسـول خـدا! امـام بعـد از حسن کیست؟ امـام گریه شدیـدی کرد، سپس فرمـود: همانـا بعـد از حسـن فرزندش قائم به حقّ منتظر است ... ».

خبر امام هادی علیه السلام از ولادت

صقر بن ابی دلف می گوید: از امام هادی علیه السـلام شـنیدم که می فرمود: «الإمام بعدی الحسن وبعد الحسن ابنه القآئم الّذی یملأ الأرض قسطاً وعدلاً کما ملئت جوراً وظلماً»؛(۲) «امام بعد از من حسن و بعد از حسن فرزندش قائم است، کسـی که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.»

۱- ۴۷. اعلام الوری، ص ۴۳۶؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷، ح ۵.

۲- ۴۸. بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۳۹، ح ۳.

داوود بن قاسم جعفری می گوید: از امام ابوالحسن هادی علیه السلام شنیدم که می فرمود: «الخلف من بعدی الحسن، فکیف بکم بالخلف من بعد الخلف؟ فقلت: ولِمَ؟ جعلنی اللّه فداک! فقال: إنّکم لا ترون شخصه ولا یحلّ لکم ذکر اسمه ... »؛(۱) «جانشین بعد از من فرزندم حسن است. پس چگونه است شما را به جانشین بعد از او؟ عرض کردم: چطور؟ خداوند مرا فدای تو گرداند! فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید و نام بردن اسم او بر شما حلال نیست ... ».

خبر امام عسکری علیه السلام از ولادت

در روایات زیادی از امام عسکری علیه السلام به این موضوع اشاره شده است:

موسی بن جعفر بن وهب بغدادی می گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: «کأنّی بکم وقد اختلفتم بعدی فی الخلف منّی، أما أنّ المقرّ بالأئمّه بعد رسول اللّه المنکر لولدی کمن أقرّ بجمیع أنبیآء اللّه ورسله ثم أنکر بنبوّه محمّد رسول اللّه صلی الله علیه وآله ... »؛(۲) «گویا شما را می بینم که بعد از من در جانشین من اختلاف خواهید نمود. آگاه باشید! همانا کسی که اقرار به امامان بعد از رسول خدا کند ولی منکر فرزندم باشد، همانند کسی است که اقرار به جمیع انبیا و رسولان داشته باشد ولی نبوت رسول خداصلی الله علیه وآله را انکار کند ... ».

عثمان بن سعید عَمْری می گوید: از امام عسکری علیه السلام سؤال شد در حالی که من نزد او بودم درباره روایتی که از آباء او نقل شده که زمین خالی از حجت خدا بر خلقش تا روز قیامت نخواهد بود. و همانا کسی که بمیرد و امام زمان

۱- ۴۹. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۰۶.

۲- ۵۰. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۶.

خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیّت از دنیا رفته است؟ حضرت فرمود: «إنّ هذا حقّ کما أنّ النهار حقّ. فقیل له: یابن رسول اللَّه! فمن الحجّه والإمام بعدک؟ فقال: ابنی محمّد وهو الإمام والحجّه بعدی، من مات ولم یعرفه مات میته جاهلیه ... »؛(۱) «این حق است، همان گونه که روز حق است. به حضرت عرض شد: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: فرزندم محمّد امام و حجّت بعد از من است. هر کس بمیرد در حالی که او را نشناخته باشد به مرگ جاهلیّت از دنیا رفته است ... »

احمد بن اسحاق می گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: «الحمد للَّه الذی لم یخرجنی من الدنیا حتی أرانی الخلف من بعدی أشبه الناس برسول اللَّه صلی الله علیه وآله خَلقاً وخُلقاً ... »؛(۲) «ستایش مخصوص خداوندی است که مرا از دنیا خارج نکرد تا اینکه جانشین بعد از مرا به من نشان داد. او شبیه ترین مردم به رسول خداصلی الله علیه وآله از حیث خلقت و اخلاق است ... ».

تشخیص هویت حضرت مهدی علیه السلام

برخی می گویند: چرا امامان هویت حضرت مهدی علیه السلام را مشخص نکرده اند؟ در پاسخ آنان می گوییم:

اوّلاً: تا آنجا که ممکن بود هر یک از معصومین علیهم السلام از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله گرفته تا امام عسکری علیه السلام درصدد تشخیص هویّت حضرت مهدی علیه السلام برآمده اند، همان گونه که از روایات ذکر شده استفاده شد.

ص:۴۳

۱- ۵۱. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۷.

۲- ۵۲. کمال الدین، ص ۴۰۸، ح ۷؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱، ح ۹.

ثانیاً: همان گونه که از بسیاری روایات استفاده می شود موقعیّت حضرت مهدی علیه السلام از جهت سیاسی بسیار خطیر بوده است، زیرا حاکمان ظلم و جور از آنجا که می دانستند او با ظلم و بی عدالتی در سطح گسترده مقابله می کند و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، لذا از ابتدا درصدد مقابله شدید با او برآمده بودند.

به همین جهت، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نیز با احتیاط تمام با نشر قضیه ولادت حضرت برخورد می کردند، تا از طرفی زمینه سازی اعتقاد ولادت آن حضرت را بیان کرده باشند و از طرف دیگر کاری نکنند که جان آن حضرت در خطر افتد.

وضعیت سیاسی عصر امام عسکری علیه السلام

امام عسکری علیه السلام در ماه ربیع الاول سال ۲۳۲ هجری متولد شد. او معاصر با حکومت سه نفر از حاکمان بنی عباس؛ یعنی معتز، مهتدی و معتمد بوده است. معتمد عباسی تعصّب و کینه خاصی نسبت به اهل بیت علیهم السلام داشت. از جمله کارهای او این بود که بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام دستور داد خانه حضرت را تفتیش کرده، تا از وجود فرزند حضرت آگاه شود، و این به جهت سعایتی بود که جعفر به دستگاه حاکم کرده بود.

داوود بن اسود می گوید: امام عسکری علیه السلام عصایی به من داد و فرمود: این را به عَمْری برسان. در بین راه عصا شکست، ناگهان مشاهده کردم که در میان آن نامه ای است. خدمت امام که رسیدم جریان را بازگو کردم. حضرت فرمود:

« ... وإذا سمعت لنا شاتماً فامض لسبيلك الّتى أمرت بها وإيّاك أن تجاوب من يشتمنا أو تعرفه من أنت، فأنا ببلد سوء ومصر سوء وامض فى طريقك فإنّ أخبارك وأحوالك ترد إلينا فاعلم ذلك»؛(۱) «هر گاه مشاهده کردی که کسی ما را دشنام می دهد تو به دنبال مأموریتی که فرستاده شدی برو، و مبادا درصدد پاسخ او برآیی یا خودت را به او معرفی کنی، زیرا ما در بد شهری قرار داریم، تو به راه خودت ادامه بده، زیرا اخبار و احوال تو به ما می رسد، این را به خوبی بدان.»

و حتی مشاهده می کنیم که امام به اصحاب خود دستور می دهد تا هیچ کس به او سلام نکند و با دست به او اشاره ننماید؛ زیرا در غیر این صورت جانش در امان نخواهد بود.(۲)

حضرت علیه السلام برای ملاقات با شیعیان خود مکانی را معین می کرد و می فرمود: «صیروا إلی موضع کذا وکذا وإلی دار فلان بن فلان. العشاء والعتمه فی لیله کذا، فإنّکم تجدونی هناک ... »؛(۳) «در فلان مکان و فلان خانه، شب هنگام مراجعه کنید که مرا در آنجا خواهید یافت.»

محمّد بن عبدالعزیز بلخی می گوید: صبح هنگامی در خیابان گوسفند فروشان نشسته بودم که ناگهان مشاهده کردم امام عسکری علیه السلام از منزل خود خارج شده و به سوی خانه عمومی می رود. در دلم گفتم: اگر فریاد زنم که این مرد، حجت خداست، بر شما باد که او را بشناسید مرا خواهند کشت؟ هنگامی که حضرت به من نزدیک شد با انگشت سبّابه خود بر دهان

۱- ۵۳. بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۸۳، ح ۶.

۲- ۵۴. همان، ص ۲۶۹.

۳- ۵۵. همان، ص ۳۰۴.

خود اشاره فرمود که ساکت باش! همان شب حضرت را ملاقات کردم، فرمود: «إنّه هو الکتمان أو القتل فاتّقِ اللَّه علی نفسک»؛(۱) «یا باید کتمان کنی و یا اینکه به قتل خواهی رسید. بر خودت از خدا بترس.»

به همین جهت است که مرحوم مقدس اردبیلی می فرماید: «هرگاه حدیثی از «رجل» نقل شد، مقصود امام حسن عسکری علیه السلام است».(۲)

این قضایا وضعیت بس دشوار سیاسی عصر امام عسکری علیه السلام و زمان ولادت امام زمان علیه السلام را می رساند. و به همین جهت است که ولادت آن حضرت در اختفای تام صورت پذیرفت.

در این بین امام عسکری علیه السلام دو وظیفه را دنبال می کرده است: یکی اینکه حضرت درصدد اثبات ولادت و وجود فرزندش بوده است و دیگر اینکه طوری باید فرزندش را معرفی کند که جانش در خطر نیفتد.

خوف از قتل

برخی می گویند: در دولت عباسی از آنجا که اتراک در شؤون خلافت سیطره پیدا کرده بودند و عزل و نصب ها به دست آن ها افتاده بود، لذا حکومت عباسیان به ضعف و سستی گراییده بود و نمی توانستند زمام حکومت را به دست داشته باشند، لذا موقعیّت سیاسی که در عصر غیبت امام زمان علیه السلام به وجود آمد توجیه گر خوف و تقیّه بر آن حضرت نبود تا امام عسکری علیه السلام او را مخفی بدارد.

۱- ۵۶. بحارالأنوار، ج ۵۰، ص ۲۸۹.

۲- ۵۷. جامع الرواه، ج ۲، ص ۴۶۲.

در پاسخ به این سؤال می گوییم:

۱ - اگر چه دولت عباسی در آن عصر نسبت به اوّل تأسیس آن از قوت آن چنانی برخوردار نبود ولی فی نفسه دولت مقتدری به حساب می آمد.

۲ - از آنجا که کفر همگی یک ملت واحد است، لذا گرچه حکومت عباسی با معارضین داخلی از قبیل اتراک درگیر بودند ولی همگی بر این اتفاق داشتند که باید با اهل بیت علیهم السلام و علویین مقابله و مبارزه نمود.

۳ - دولت بنی عباس گرچه مشغول مبارزه با معارضین داخلی بوده است ولی همان گونه که قبلاً اشاره شد هرگز از مبارزه با اهل بیت غافل نبودند.

وضع سیاسی بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام

از آنجا که حاکمان ظلم و جور شنیده بودند که فرزند امام عسکری علیه السلام مهدی موعود، ذخیره الهی برای رفع ظلم و جور از عالم است، لذا درصدد برآمدند تا به هر نحو ممکن او را دستگیر کرده و به قتل برسانند. سه بار طرح ترور و قتل حضرت مهدی علیه السلام ریخته شد ولی در هیچ مرتبه آنان به این عمل شوم موفّق نشدند. یک بار توسط معتمد عباسی، چند روز بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام، و دو بار دیگر توسط معتضد عباسی که بعد از معتمد حکومت را به دست گرفته بود. و خلفای دیگر بعد از آن که از دستگیری و ترور حضرت مأیوس شدند، اقدامی بر ضدّ او انجام ندادند.

شیخ طوسی رحمه الله یکی از این موارد را در کتاب «الغیبه» از رشیق نقل کرده که می گوید: «معتضد عباسی، من و دو نفر دیگر را به جهت دستگیری هر کسی

که در خانه امام عسکری علیه السلام است فرستاد، ما با دیدن معجزه ای نتوانستیم حضرت را دستگیر کنیم و لذا از تصمیم خود منصرف شدیم ... ».(۱)

اولین مالک نرجس خاتون

در این موضوع سه نظریه و فرضیه وجود دارد:

فرضیه اول: اینکه حضرت نرجس خاتون در ملک امام هادی علیه السلام داخل شد و سپس آن حضرت او را به تزویج فرزندش امام عسکری علیه السلام درآورد که در روایتی به آن اشاره شده است.(۲)

فرضیه دوم: آن است که مالک او از خانواده امام، حکیمه دختر امام هادی علیه السلام بوده است، که از ظاهر برخی روایات دیگر استفاده می شود.(۳) زیرا حضرت هادی علیه السلام به خواهرش فرمود: «نرجس را به سوی فرزندم بفرست ... ».

فرضیه سوم: آن است که بین این دو قول جمع شود به اینکه در ابتدا امام هادی علیه السلام کسی را فرستاده تا برای او بخرد، و بعد از خرید به خواهرش بخشیده است. و این احتمال به جهت جمع بین روایات ترجیح دارد.

بررسی یک روایت

احمد کاتب می گوید: «برخی از مورخین نقل کرده اند که بعضی از شیعیان قائل به توقف و انقطاع امامت شدند، آن گونه که بین رسل توقف بود. و از

۱- ۵۸. الغیبه، طوسی، ص ۲۴۸، با تلخیص.

۲- ۵۹. بحارالأنوار، ج ۵۱.

۳- ۶۰. کمال الدین، ص ۴۲۶ و ۴۲۷.

برخی روایات نیز استفاده می شود که ممکن است در صورتی که مردم مورد غضب الهی واقع شوند، امامت و امام مرتفع شده و منقطع گردد ... ».

در پاسخ او می گوییم:

۱ - همان گونه که از کتب تواریخ و ملل و نحل استفاده می شود اکثر جامعه شیعی در آن زمان، معتقد به ولادت امام زمان علیه السلام بودند.

۲ - آن گونه که شیخ مفیدرحمه الله و دیگران اشاره کرده اند، گرچه بعد از وفات امام عسکری علیه السلام شیعیان در ابتدا به چهارده فرقه متفرق شدند ولی بعد از مدتی کوتاه با ارشادات علما و اصحاب، همگی بر اعتقاد به ولادت و وجود امام خود اتفاق نمودند.(۱)

۳ - در مورد روایتی که ادّعا کرده دلالت بر تحقق فترت و انقطاع امامت دارد، با دقت در آن، خلاف آنچه ادّعا شده استفاده می شود، زیرا در آن روایت از امام باقرعلیه السلام نقل است که فرمود: «إذا غضب اللَّه تبارك وتعالی علی خلقه نحّانا عن جوارهم»؛(۲) «هر گاه خداوند تبارک و تعالی بر خلقش غضب کند ما را از جوار شان دور خواهد گرداند.» این حدیث به خوبی دلالت بر وجود و غیبت امام زمان علیه السلام دارد.

۴ - اگر مجرد اختلاف، دلیل بر بطلان است، باید اختلاف در هر امری از جمله اصل امامت و خلافت و نبوت را نیز دلیل بر بطلان آن دانست، در حالی که هیچ کس چنین ادّعایی نکرده است. آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خبر نداده که امتش بعد از او به ۷۳ فرقه متفرق خواهند شد؟!

۱- ۶۱. ر.ك: الفصول المختاره، ص ۳۲۵.

۲- ۶۲. کافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۱.

ولادت حضرت مهدی علیه السلام قبل از ظهور

گاهی سؤال می شود اگر خداوند متعال اراده کرده که در پایان تاریخ بشر جهان را پر از عدل و داد کند، و این کار احتیاج به رهبری الهی دارد، چه ضرورتی است که او را قبل از تشکیل حکومت عدل جهانی خلق کند؟ چرا او را در همان زمان که احتیاج به اوست خلق نمی کند؟

در پاسخ این سؤال می گوییم:

۱ - از ادله عقلی و نقلی استفاده می شود که زمان، هیچ گاه نباید از حجت و ولیّ خدا خالی باشد، هم از جهت فیض تشریع و هم تکوین. این مطلب در جای خود به اثبات خواهد رسید.

۲ - علم جدید این مطلب را بدون استثنا به اثبات رسانده که عالم بر اساس حرکت تدریجی پایه گذاری شده است. هر چیزی حرکت تدریجی خود را دارد، بدون آن که این مطلب با قدرت خداوند تنافی داشته باشد. لذا خداوند متعال آسمان ها و زمین را در مدت شش روز آفرید نه در یک لحظه.

آیا خداوند عاجز بود که در یک لحظه آن ها را بیافریند؟ هرگز. چرا باید نطفه انسان نه ماه در شکم مادر بماند و شرایط طبیعی خود را طیّ کند تا تبدیل به انسانی مستوی الخلقه گردد؟ آیا خداوند عاجز است که انسان را در یک لحظه ایجاد نماید؟ در مورد تشکیل حکومت عدل جهانی نیز همین حکم جاری است، خداوند امور آن زمان را از پیش تدارک می بیند.

۳ - با فلسفه انتظار بیشتر هماهنگ است یعنی انتظار کسی که وجود دارد ولی غایب است بیشتر مؤثر است تا کسی که هنوز خلق نشده و در آینده پا به هستی وجود می گذارد.

ص:۵۰

اختلاف در ولادت

احمد کاتب درصدد آن است که از اختلافی که در مسأله ولادت حضرت مهدی علیه السلام پدید آمد بهره برداری کرده و از آن برای سست جلوه دادن مسأله ولادت حضرت استفاده نماید.

در پاسخ او می گوییم:

اولاً: اختلاف در موضوع و قضیه ای هرگز مستلزم نبود آن موضوع نیست، بلکه بر وجود آن دلالت دارد، وگرنه هیچ قضیه ای را نمی توان به اثبات رسانید؛ زیرا در هر قضیه و موضوعی از جهات مختلف اختلاف شده است.

آیا امت اسلامی بعد از پیامبر مطابق احادیث، به ۷۳ فرقه تقسیم نشدند؟ آیا این افتراق و تفرّق باعث می شود که اصل اسلام زیر سؤال رفته و در گزاره های دینی شک نماییم؟

ثانیاً: همان گونه که از وضعیت سیاسی آن زمان و مخفی بودن امر ولادت به جهت آن وضعیّت استفاده می شود، اختلاف امری طبیعی به نظر می رسد.

ثالثاً: مطابق نقل شیخ مفیدرحمه الله جامعه شیعی بعد از مدتی نه چندان دور به وحدت نظر در امر ولادت حضرت مهدی علیه السلام رسیدند. او می گوید: «از این فرقه ها که ذکر شد در این زمان که سال ۳۷۳ است به جز فرقه دوازده امامی که قائل به امامت فرزند امام حسن علیه السلام است، وجود ندارد ... ».(۱)

جالب توجه اینکه، انکار برخی بر ولادت امام مهدی علیه السلام از دید اهل بیت علیهم السلام مخفی نمانده و لذا در روایاتی به آن اشاره کرده اند. شیخ صدوق رحمه الله به

۱- ۶۳. الفصول المختاره، ص ۳۲۱؛ بحارالأنوار، ج ۳۷، ص ۲۳.

سنـد صـحیح از امام موسـی بن جعفرعلیهما السـلام نقل کرده که فرمود: «صاحب هـذا الأمر من یقول الناس لم یوجد بعد»؛(۱) «صاحب این امر کسی است که [بعضی از] مردم می گویند: هنوز متولد نشده است.»

عصر حیرت

احمد کاتب می گوید: «بعد از وفات امام عسـکری علیه السلام حیرت و شک و تردید در جامعه شیعه در امر امامت بعد از آن حضـرت و ولاـدت فرزنـد او پدیـد آمـد». او درصـدد آن است که از این موضوع بهره برداری کرده و اثبات کنـد که موضوع ولادت حضرت اجماعی نبوده است.

در پاسخ او می گوییم:

اولاً: مسأله حیرت و تردید در بین عوام مردم همان گونه که تشریح شد امری طبیعی به نظر می رسید، زیرا جوّ خاص سیاسی و احتمـال قتل حضـرت اقتضا داشت که امر ولادت حضـرت مسـتور باشـد، و تنها عـده ای خاص از اصـحاب امام عسـکری علیه السلام از آن مطلع گردند، و توسط آن ها این موضوع منتشر شود.

ثانیـاً: وجـود حیرت و غموض در امر ولاـدت حضـرت، دلیـل بر وجود اوست نه عـدم آن. یعنی ولاـدتی بوده ولی از آنجـا که مخفی واقع شد، عده ای را در حیرت فرو برد.

ثالثاً: همان گونه که مکرّراً اشاره شد، گرچه در ابتدای غیبت برخی از عوام

ص:۵۲

۱- ۶۴. کمال الدین ص ۳۶۰، بحارالأنوار ج ۵۱ ص ۱۵۹ ح ۳.

مردم در حیرت به سر می بردند، ولی بعد از مدتی نه چندان دور به واسطه کوشش فراوانی که بزرگان امامیه در روشن ساختن عموم مردم در امر ولادت و امامت حضرت مهدی علیه السلام داشتند، تمام جامعه شیعی از حیرت خارج شده و همگی به امامت آن حضرت معتقد شدند.

کوشش برای رفع حیرت

شکّی نیست که بعد از غیبت امام مهدی علیه السلام حیرت و شک جامعه شیعی را در سطح عوام مردم فرا گرفت، زیرا آنان امام خود را نمی دیدند، ولی با فداکاری و تبلیغ علما و اصحاب، این حیرت برداشته شد. از جمله کارهایی که در این مدت انجام گرفت تألیف کتاب هایی متناسب با وضع موجود در جهت رفع حیرت بود، که از آن جمله می توان به این کتاب ها اشاره نمود:

۱ - کتاب «الغیبه» از محمّد بن ابراهیم نعمانی که بین سال ۳۳۳ تا ۳۴۲ هجری تألیف یافته است.

۲ - کتاب «الامامه و التبصره من الحیره» از علی بن بابویه قمی (م ۳۲۹ه).

۳ - کتاب «اکمال الدین و اتمام النعمه» از محمّد بن علی بن بابویه (م ۳۸۶ه).

۴ - کتاب «الغیبه» از شیخ طوسی (م ۴۶۰ه).

و دیگر کتاب ها.

علی بن بابویه در مورد کتاب خود می گوید: « ... من در این کتاب اخباری را جمع نمودم که می تواند حیرت را برطرف سازد ... ».(۱)

۱- ۶۵. الامامه و التبصره، ص ۹.

کوشش در عصرهای مختلف

بزرگان جامعه شیعه به پیروی از پیشینیان در راستای اهداف آنان که همان تثبیت ایمان مردم به ولادت و وجود امام زمان علیه السلام بود قدم گذاشته و دست به تألیفات گوناگون در این زمینه زدند که از آن جمله می توان به این تألیفات اشاره نمود:

۱ - ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی: «کتاب الغیبه».(۱)

۲ - ابو اسحاق ابراهیم بن الأنماطی کوفی اسدی: «کتاب الغیبه».(۲)

۳ - احمد بن حسین عبداللّه مهرانی آبی: «ترتیب الأدله فیما یلزم خصوم الامامیه دفعه عن الغیبه و الغائب».(۳)

۴ - ابوالعباس احمد بن علی رازی: «الشفاء و الجلاء عن الغیبه».(۴)

۵ - ابوالحسن احمد بن محمّد بن عمران بن موسی معروف به ابن الجندی: «الغیبه».(۵)

۶ - اشرف بن اعز معروف به تالج العُلی علوی حسینی: «الغیبه».(۶)

۷ - ابو محمّد حسن بن حمزه معروف به طبری: «الغیبه».(۷)

۸ - ابو محمّد حسن بن محمّد بن یحیی معروف به ابن اخی طاهر: «کتاب الغیبه و ذکر القائم».(۸)

۱- ۶۶. رجال نجاشی، ص ۱۹، رقم ۲۱.

۲- ۶۷. همان، ص ۱۵، رقم ۱۳.

۳- ۶۸. معالم العلماء، ص ۶۰، رقم ۱۱۳.

۴- ۶۹. رجال نجاشی، ص ۹۷، رقم ۲۴۰.

۵- ۷۰. همان، ص ۸۵، رقم ۲۰۶.

۶- ۷۱. الذریعه، ج ۱۶، ص ۷۵، رقم ۳۷۵.

۷- ۷۲. رجال نجاشی، ص ۶۴، رقم ۱۵۰.

۸- ۷۳. همان، رقم ۱۴۹.

۹ – ابوالحسن حنظله بن زکریا تمیمی قزوینی: «کتاب الغیبه».(۱)

۱۰ – ابوالحسن سلامه بن محمّد بن اسماعیل: «کتاب الغیبه و کشف الحیره».(۲)

۱۱ – ابوالفضل عباس بن هشام ناشری اسدی: «کتاب الغیبه».(۳)

۱۲ – ابوالعباس عبداللّه بن جعفر بن حسین حمیری قمّی: «کتاب الغیبه و التوقیعات».(۴)

۱۳ – ابو محمّد عبدالوهاب مادرائی: «کتاب الغیبه».(۵)

۱۴ – شیخ مفید محمّد بن محمّد بن نعمان: او در زمینه امام زمان علیه السلام و موضوعات مربوط به آن حضرت تألیفات متعددی دارد از قبیل: «کتاب الغیبه»، «المسائل العشره فی الغیبه»، «مختصر فی الغیبه»، «النقض علی الطلحی فی الغیبه»، «جواب الفارقیین فی الغیبه».

و نیز در برخی از کتب خود به طور ضمنی بحث فراوانی از مهدویت نموده است از قبیل: «الایضاح فی الامامه و الغیبه»، «الإرشاد فی معرفه حجج اللّه علی العباد»، «العیون و المحاسن»، «الجوابات فی خروج الامام المهدی علیه السلام».

۱۵ – ابوالقاسم علی بن حسین معروف به شریف مرتضی: «المقنع فی الغیبه».(۶)

۱۶ – علی بن محمد بن علی بن عمر بن ریاح: «کتاب الغیبه».(۷)

۱- ۷۴. همان، ص ۱۴۷، رقم ۳۸۰.

۲- ۷۵. همان، ص ۱۹۲، رقم ۵۱۴.

۳- ۷۶. همان، ص ۳۸۰، رقم ۷۴۱.

۴- ۷۷. همان، ص ۲۱۹، رقم ۵۷۳.

۵- ۷۸. همان، ص ۲۴۷، رقم ۶۵۲.

۶- ۷۹. همان، ص ۲۷۰ و ۲۷۱، رقم ۷۰۸.

۷- ۸۰. همان، ص ۲۵۹و ۲۶۰، رقم ۶۷۹.

۱۷ - ابو عبداللّه کاتب محمّد بن ابراهیم بن جعفر: «کتاب الغیبه».(۱)

۱۸ - ابوعلی کاتب اسکافی محمّد بن احمد بن جنید: «ازاله الران عن قلوب الاخوان فی الغیبه».(۲)

۱۹ - ابوعبداللّه محمد بن احمد صفوانی: «کتاب الغیبه و کشف الحیره».(۳)

۲۰ - محمد بن زید بن علی فارسی: «کتاب الغیبه».(۴)

۲۱ - ابوالفتح محمّد بن علی بن عثمان کراجکی: «البرهان علی طول عمر صاحب الزمان» و «الاستطراف فی ذکر ما ورد فی الغیبه فی الإنصاف».(۵)

۲۲ - ابوبکر محمّد بن قاسم بغدادی: «کتاب الغیبه».(۶)

۲۳ – ابو النضر محمّد بن منصور عیاشی: «کتاب الغیبه».(۷)

۲۴ - ابوالفرج مظفّر بن علی بن حسین همدانی: «کتاب الغیبه».(۸)

این ها اسامی کتاب هایی بود که تا آخر قرن سوم هجری درباره رفع حیرت به طور مستقل نوشته شده است.

علت اختلاف در امر ولادت

احمد کاتب می گوید: «اگر مهدویت حضرت مهدی علیه السلام واضح بوده، چرا قبل از ولادت حضرت مهدی علیه السلام گروهی قائل به مهدویت امام علی علیه السلام یا فرزندش

۱- ۸۱. همان، ص ۳۸۳، رقم ۱۰۴۳.

۲- ۸۲. همان، ص ۳۸۵، رقم ۱۰۴۷.

۳- ۸۳. همان، ص ۳۹۳، رقم ۱۰۵۰.

۴- ۸۴. فهرست طوسی، ص ۱۵۹، رقم ۶۹۹.

۵- ۸۵. الذریعه، ج ۱۶، ص ۷۹و ۸۰.

۶- ۸۶. الذریعه، ج ۳، ص ۹۲، رقم ۲۹۲؛ رجال نجاشی، ص ۳۸۱، رقم ۱۰۳۵.

۷- ۸۷. رجال نجاشی، ص ۳۵۰ - ۳۵۳، رقم ۹۴۴.

۸- ۸۸. الذریعه، ج ۱۶، ص ۸۲، رقم ۴۰۶.

محمد بن حنفیه و نفس زکیّه و امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و سیّد محمّد فرزند امام هادی علیه السلام و حتی امام عسکری علیه السلام شدند؟»

در پاسخ او می گوییم:

۱ - اگر چه در برخی از احادیثی که از جانب رسول خداصلی الله علیه وآله و اهل بیت او درباره خروج مهدی علیه السلام وارد شده، تصریح شده که او قطعاً فرزند امام عسکری علیه السلام امام یازدهم است، ولی برخی هنگامی که ظلم و تجاوز را زیاد می دیدند و از طرفی همه اهل بیت را هدایت شده و هادی می دانستند، گاهی به امید اینکه یکی از اهل بیت، مهدی امت است به سراغ او می آمدند و ادّعای مهدویت در حق او می کردند و جماعتی را نیز به دنبال خود می کشیدند. این افراد غالباً از انسان های ساده اندیش و جاهل بودند، و در برخی از موارد مسأله سیاسی نیز در این ادّعا دخالت داشته است.

۲ - کسانی که چنین ادّعایی داشته اند هرگز دوام نیاورده و بعد از مدت کوتاهی به جرگه عموم شیعیان پیوسته و یا منقرض شده اند.

۳ - میزان در عقیده یک مذهب، نظر غالب افراد و علمای آن مذهب است. و می دانیم که عقیده به مهدویت حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام عقیده قریب به اتفاق شیعیان به حساب می آید.

۴ - در برخی از موارد که گروهی قائل به مهدویت غیر از حضرت مهدی علیه السلام شدند به جهت شبهه ای بوده که برای آن ها پدید آمده است؛ زیرا موقعیّت آن عصر چنین حیرت و تردیدی را اقتضا داشته است، گرچه این حیرت نیز بعد از مدت کوتاهی برطرف گشت.

ص:۵۷

علت وصیّت به مادر

شیخ مفیدرحمه الله می گوید: برخی موضوع وصیّت امام عسکری علیه السلام به مادرش در امر وقوف و صدقات را دلیل بر انکار ولادت حضرت مهدی علیه السلام گرفته اند در حالی که هرگز چنین دلالتی ندارد؛ زیرا این کار به جهت اخفای ولادت و مستور نمودن امر حضرت از دستگاه حاکم بوده است. اگر در وصیّت نامه حضرت، نام مهدی ذکر می شد و صدقات و موقوفات به او نسبت داده می شد به طور حتم با غرض حضرت از محافظت فرزندش منافات داشت. خصوصاً آن که وصیّت، احتیاج به شهادت شهودی از خواص دولت بنی عباس بود تا بر اصل وصیّت گواهی داده و بر آن امضا کنند. مگر در عصر امام صادق علیه السلام نبود که آن حضرت به جهت حفظ فرزندش موسی بن جعفرعلیه السلام از تعرّض دستگاه حکومت، تصریح به امامت و وصایت او در ملأ عام و در وصیت نامه اش نکرد، بلکه به پنج نفر وصیّت نمود که اوّل آن ها منصور عباسی و بعد ربیع و قاضی وقت و کنیزش حمیده بربریه، و در آخر نام فرزندش موسی بن جعفر را ذکر کرد، تا از این طریق بتواند جان فرزندش را حفظ کند، گرچه امر امامت او را برای خواص از اصحاب و اولیای خود روشن ساخته بود تا با مرور زمان بر دیگران واضح سازند ... ».(۱)

نصّ بر امام زمان علیه السلام

برای اثبات امامت امام زمان علیه السلام از راه های مختلف می توان وارد شد و به

ص:۵۸

۱- ۸۹. المسائل العشره، ص ۶۹ - ۷۲.

نتیجه قطعی و مطلوب در این مسأله رسید. این بحث در رابطه با امامت همه امامان مطرح است.

۱ - همان گونه که اشاره شد از طریق امام عسکری علیه السلام نصوص متعدی صحیح السند در امر امامت فرزندش رسیده است.

۲ - اگر چه در باب اصل امامت و اینکه زمین هرگز از حجت خالی نیست احتیاج به ادلّه قطعی و یقینی است ولی در بحث اینکه امام بعدی کیست از آن جهت که موضوع خارجی است خبر واحد صحیح السند کافی است.

۳ - همان گونه که قبلاً- نیز اشاره شد نصوص فراوان و در حدّ تواتر از پیامبرصلی الله علیه وآله و هر یک از امامان علیهم السلام در این رابطه وارد شده است.

۴ - همان گونه که یکی از راه های اثبات نبوت، بلکه عمده ترین راه آن، اعجاز است در مورد اثبات امامت نیز از این راه می توانیم امامت هر یک از امامان را به اثبات برسانیم، زیرا نصّ خاص از جانب امام قبل بر امام بعد، موضوعیت ندارد بلکه نصّ، راهی برای اثبات امامت امام بعد است.

۵ - بر فرض اینکه نصوص وارده درباره برخی از ائمه خبر واحد باشند ولی با قراین خارجی، که این گونه روایات به همراه دارند ما را به قطع و اطمینان به مفاد آن ها می رسانند، همانند اقبال شیعه و اجماع اصحاب امامیه بر امامت شخص خاص، با در نظر گرفتن این نکته که وضعیت خاص سیاسی و فشارهای شدیدی که از ناحیه حکام بنی امیه و بنی عباس بر شیعیان و پیروان اهل بیت و تابعان آن ها وارد می شد، چنین وضعی را اقتضا داشته است.

۶ - با بررسی تمام جوانب موضوع، اعم از روایاتی که از امام عسکری علیه السلام در باب امامت فرزندش امام مهدی علیه السلام رسیده و نیز روایاتی که از جانب پیامبرصلی الله علیه وآله و هر یک از امامان وارد شده و نیز معجزاتی که از حضرت مهدی علیه السلام صادر شده و قراین خارجی دیگر، پی خواهیم برد که مسأله امامت حضرت مهدی علیه السلام از راه تواتر قابل اثبات است.

اتفاق امامیه بر ولادت

اصحاب و عموم طایفه شیعه امامیه بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام در طول قرن ها بر ولادت امام زمان علیه السلام اتفاق داشته اند، اگر چه در ابتدا حیرت و شکّی در ولادت و امامت آن حضرت در بین گروهی از شیعیان پدید آمد، ولی بعد از گذشت زمان نه چندان طولانی و به عنایت و تبلیغ بزرگان امامیه، همگی به راه مستقیم هدایت شده و به امامت امام عصرعلیه السلام اعتقاد پیدا نمودند، همان گونه که شیخ مفید در کتاب «الفصول المختاره» به آن اشاره کرده است.

او می گوید: «از این فرقه هایی که ذکر شد هیچ فرقه ای در زمان ما که سال ۳۷۳ هجری است باقی نمانده است جز شیعه دوازده امامی که قائل به امامت فرزند امام حسن همنام رسول خداصلی الله علیه وآله بوده و همگی بر زنده بودن ایشان قطع داشته و معتقد به بقای آن حضرت تا زمانی که قیام به شمشیر کند، هستند ... ».(۱)

۱- ۹۰. الفصول المختاره، ص ۳۲۱.

اتفاق مورخان شیعه بر ولادت

مورخان شیعه در مورد تاریخ ولادت حضرت مهدی علیه السلام به طور اتفاق آن را در سال ۲۵۵ هجری دانسته اند. اینک به اسامی برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - کلینی رحمه الله.(۱)

۲ - شیخ مفیدرحمه الله.(۲)

۳ – اربلی رحمه الله.(۳)

۴ - شیخ طوسی رحمه الله.(۴)

۵ - کفعمی رحمه الله.(۵)

۶ - طبرسی رحمه الله.(۶)

۷ - علامه مجلسی رحمه الله.(۷)

۸ - شیخ بهایی رحمه الله.(۸)

حکم منکر ولادت

از آنجا که ولادت و وجود حضرت مهدی علیه السلام مبنای شیعه در طول تاریخ بوده و به تعبیری ضرورت مذهب به حساب می آمده است و لذا اجماع شیعه از عوام و خواص بر آن بوده است، بدین جهت کسی که منکر ولادت و وجود امام مهدی علیه السلام است، از تشیع و جامعه شیعی خارجی می شود، گرچه برای خود

۱- ۹۱. کافی، ج ۱، ص ۵۱۴.

۲- ۹۲. الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۹و۳۴۰.

۳- ۹۳. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۴۵.

۴- ۹۴. مصباح المتهجد، ص ۸۴۲.

۵- ۹۵. البلد الامین، ص ۱۸۷.

۶- ۹۶. اعلام الوری، ص ۴۱۸.

۷- ۹۷. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۲.

۸- ۹۸. توضیح المقاصد، ص ۲۰ و ۲۱.

ادلاّهٔ ی وهمی ذکر کند، زیرا امر ضروری، خود بهترین دلیل بر اثبات آن است. بلکه بالاتر از این، مطابق رأی متقدمین و متأخرین از علمای امامیه که امامت را از اصول دین می دانند، کسی که منکر امامت و وجود امام معصوم در برهه ای از زمان باشد از دین خارج است، گرچه در ظاهر حکم به اسلام او می شود، همان گونه که چنین حکمی درباره اهل سنّت صادق است.

ملاقات با امام زمان

هنگام ولادت حضرت مهدی علیه السلام و بعد از آن عدّه ای حضرت را ملاقات نموده اند:

اسامی پنج نفر را در این مورد می توان نام برد:

الف: ملاقات هنگام ولادت

۱ – حکیمه دختر امام جوادعلیه السلام.(۱)

۲ – زن قابله.(۲)

۳و۴ – نسیم و ماریه.(۳)

۵ – کنیز امام عسکری علیه السلام.(۴)

ب: ملاقات در زمان حیات امام عسکری علیه السلام در مورد این مورد می توان به اسامی عده ای اشاره کرد:

۱- ۹۹. کمال الدین، ص ۴۲۴.

۲- ۱۰۰. الغیبه، طوسی، ص ۲۴۰ – ۲۴۲.

۳- ۱۰۱. کمال الدین، ص ۴۳۰.

۴- ۱۰۲. همان، ص ۴۳۱.

۱ - محمّد بن عثمان عَمْری با چهل نفر.(۱)

۲ – ابو هارون.(۲)

۳ - یعقوب بن منقوش.(۳)

۴ - عمرو اهوازی.(۴)

۵ - حکیمه دختر امام جوادعلیه السلام.(۵)

۶ - محمّد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر.(۶)

۷ - ابو نصر ظریف خادم.(۷)

۸ - ابوعلی بن مطهر.(۸)

۹ - عقید خادم و اسماعیل بن علی نوبختی.(۹)

۱۰ - نسیم، خادم امام عسکری علیه السلام.(۱۰)

۱۱ - اصحاب امام عسکری علیه السلام.(۱۱)

۱۲ - مردی از فارس.(۱۲)

۱۳ - ابوعمرو.(۱۳)

۱- ۱۰۳. کمال الدین، ص ۴۳۵؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۹.

۲- ۱۰۴. همان، ص ۴۳۴؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۸.

۳- ۱۰۵. همان، ص ۴۳۶؛ بحارالأنوار ج ۵۲، ص ۲۵، ح ۱۷.

۴- ۱۰۶. الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۳؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۲.

۵- ۱۰۷. الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۱.

۶- ۱۰۸. همان.

۷- ۱۰۹. همان، ص ۳۵۴.

۸- ۱۱۰. همان، ص ۳۵۲.

۹- ۱۱۱. الغیبه، طوسی، ص ۲۷۱ - ۲۷۳؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱۶.

۱۰- ۱۱۲. کمال الدین، ص ۴۴۱.

۱۱- ۱۱۳. کمال الدین، ص ۴۳۱؛ بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۵.

۱۲- ۱۱۴. کافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۶.

۱۳- ۱۱۵. همان، ح ۱.

۱۴ - ابراهیم بن عبده نیشابوری و خادمش.(۱)

۱۵ - رشیق صاحب مادرای.(۲)

۱۶ - کامل بن ابراهیم مدنی.(۳)

۱۷ - احمد بن اسحاق قمّی.(۴)

ج: ملاقات در عصر غیبت صغری

جماعت بسیاری در عصر غیبت صغرا به ملاقات حضرت شرفیاب شده اند که به اسامی برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - محمد بن عثمان عَمْری.(۵)

۲ - طریف و ابونصر.(۶)

۳ - ازدی.(۷)

۴ - ابراهیم بن ادریس.(۸)

۵ - ابی عبداللَّه بن صالح.(۹)

۶ - ابراهیم بن مهزیار.(۱۰)

۷ - محمّد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر.(۱۱)

و دیگران.

۱- ۱۱۶. همان، ص ۳۳۱، ح ۶.

۲- ۱۱۷. الغیبه، طوسی، ص ۲۴۸ - ۲۵۰؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ح ۳۶.

۳- ۱۱۸. الغیبه، طوسی، ص ۲۴۶.

۴- ۱۱۹. کمال الدین، ص ۳۸۴؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳.

۵- ۱۲۰. کمال الدین، ص ۴۴۰.

۶- ۱۲۱. همان، ص ۴۴۱.

۷- ۱۲۲. همان، ص ۴۴۴.

۸- ۱۲۳. ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۲۴.

۹- ۱۲۴. همان، ص ۲۲۹.

۱۰- ۱۲۵. همان، ص ۳۳۵.

۱۱- ۱۲۶. الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۱.

مرحوم مجلسی در روایتی اسامی ۲۶۵ نفر از کسانی که در عصر غیبت صغرا به ملاقات حضرت شرفیاب شده اند را نام برده است.(۱)

اعتراف علمای انساب به ولادت

گروهی از علمای انساب معترفند که برای امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی به نام محمّد و با القاب: حجّت و مهدی و ... متولد شده است. اینک به اسامی برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ – نسّابه سهل بن عبداللّه بن داوود بن سلیمان بخاری، که معاصر عصر غیبت صغرا می زیسته است.(۲)

۲ – سیّد عمری، نسّابه مشهور در قرن پنجم هجری.(۳)

۳ – فخر رازی شافعی، نسّابه قرن پنجم.(۴)

۴ – نسّابه قرن ششم مروزی ازورقانی.(۵)

۵ – نسّابه جمال الدین احمد معروف به ابن عنبه.(۶)

۶ – نسّابه ابوالحسن محمّد حسینی یمانی صنعانی زیدی، نسّابه قرن یازدهم.(۷)

۱– ۱۲۷. بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۱ – ۷۷.

۲– ۱۲۸. سرّ السلسله العلویه، ص ۳۹ و ۴۰.

۳– ۱۲۹. المجدی فی انساب الطالبیین، ص ۱۳۰.

۴– ۱۳۰. الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه، ص ۷۸ و ۷۹.

۵– ۱۳۱. الفخری فی انساب الطالبیین، ص ۸.

۶– ۱۳۲. عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب، ص ۱۹۹.

۷– ۱۳۳. روضه الألباب لمعرفه الأنساب، ص ۱۰۵.

۷ – محمّد امین سویدی.(۱)

۸ – محمّد ویس حیدری سوری.(۲)

۹ – علامه نسّابه سید محمّد بن حسین بن عبداللَّه حسینی سمرقندی مدنی.(۳)

۱۰ – شریف انس کتبی حسنی در تعلیقه بر کتاب «تحفه المطالب».(۴)

۱۱ – علامه نسّابه سید محمّد بن احمد بن حمید الدین نجفی.(۵)

۱۲ – علامه نسّابه شریف انس کُتُبی حسنی.(۶)

عدم اعتنا به انکار جعفر

جعفر عموی امام زمان علیه السلام اگرچه منکر ولادت حضرت مهدی علیه السلام شده است ولی از جهاتی نمی توان به انکار او توجه نمود:

۱ – با ادلّه متقن ولادت حضرت مهدی علیه السلام به اثبات رسیده است.

۲ – اتفاق امت بر آن است که جعفر معصوم نبوده است، بلکه از جمله مردم عادی بوده که در او احتمال گمراهی و یا سهو و اشتباه رواست. همان گونه که برخی از فرزندان یعقوب به گمراهی کشیده شدند.

۳ – از برخی اخبار استفاده می شود که جعفر به سبب انحراف و گمراهی که داشت، ادّعای دروغین عدم ولادت فرزند برای امام عسکری علیه السلام نمود.

۱– ۱۳۴. سبائک الذهب، ص ۷۸.

۲– ۱۳۵. الدرر البهیّه فی الانساب الحیدریه و الاویسیّه، ص ۷۳.

۳– ۱۳۶. تحفه المطالب بمعرفه من ینتسب الی عبداللَّه و ابی طالب، ص ۵۴ و ۵۵، چاپ ریاض.

۴– ۱۳۷. همان، ص ۵۵.

۵– ۱۳۸. بحر الانساب، ص ۳۹، چاپ ریاض.

۶– ۱۳۹. الاصول فی ذریّه البضعه البتول، ص ۹۷ – ۱۰۰.

۴ – نهایت چیزی را که از روی احتیاط می توان گفت اینکه: از آنجا که او کشش و قابلیّت و تحمّل خبر ولادت حضرت مهدی علیه السلام را نداشته، امام عسکری علیه السلام فرزندش را به او نشان نداده است. و لذا از آن بی اطلاع بوده است.

ادّعای دروغین

در توقیعی که از ناحیه مقدسه صادر شد حضرت اشاره به جعفر کرده، می فرمایند: « ... وقد ادّعی هذا المبطل المفتری علی اللّه الکذب بما ادعاه، فلا أدری بأیّه حاله هیی له رجاء أن یتم دعواه، أبفقه فی دین اللّه؟ فواللّه ما یعرف حلالا من حرام ولا یفرق بین خطاء وصواب ... »؛(۱) « ... به طور حتم این شخص مبطل و تهمت زننده به خدا است و در آنچه می گوید ادّعای دروغ و کذب نموده است، نمی دانم که به کدامین حالت امید دارد که ادّعای خود را تمام نماید؟ آیا به فهم در دین خدا؟ به خدا سوگند که او حلال را از حرام نمی شناسد و اشتباه و صحیح را تشخیص نمی دهد ... ».

از این توقیع استفاده می شود اول کسی که به جعفر لقب دروغگو داد خود حضرت بوده است و بعد از آن این عنوان بر او شهرت یافت. برخی نیز وجه توصیف او را به دروغگو به جهت تمییز بین او و امام جعفر صادق علیه السلام می دانند.

کارهای ناشایست جعفر

جعفر فرزند امام هادی علیه السلام پس از رحلت برادرش امام عسکری علیه السلام به یک

۱- ۱۴۰. الغیبه، طوسی، ص ۲۸۸ – ۲۹۰؛ بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۵، ح ۲۱.

سری اقداماتی روی آورد که در شأن او نبوده است. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - قصد نماز خواندن بر پیکر مطهّر برادرش امام عسکری علیه السلام.(۱)

۲ - ادّعای امامت و رهبری، زیرا او به وزیر عباسی عبیداللَّه بن یحیی بن خاقان گفت: «مقام برادرم را به من بدهید، من سالانه مبلغ بیست هزار دینار بابت آن به شما می پردازم».(۲)

۳ - ادّعای ارث، زیرا در اقدامی دیگر کوشید تا اموال امام علیه السلام را تصاحب نماید و ادّعا کرد که برادرش ابو محمّدعلیه السلام فرزندی ندارد، و تنها وارث، برادر اوست. حکومت نیز اجازه داد تا بر اموال برادر تسلط یابد.(۳)

۴ - تحریک حکومت برای دستگیری امام مهدی علیه السلام.

تشبیه جعفر به برادران یوسف

امام زمان علیه السلام در ذیل توقیعی که به محمّد بن عثمان عَمْری رحمه الله صادر شد فرمود: « ... وأمّا سبیل عمّی جعفر وولده فسبیل اِخوه یوسف علیه السلام ... »؛(۴) «امّا راه عمویم جعفر و اولادش همانند راه برادران یوسف است ... ».

برای نکته تشبیه به وجوهی می توان اشاره نمود:

۱ - حکم جعفر عموی امام زمان علیه السلام را همانند اولاد انبیا، باید به آباء و اجدادشان واگذار نمود و درباره آن ها سخنی نگفت.

ص:۶۸

۱- ۱۴۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۷۵.

۲- ۱۴۲. همان، ج ۲، ص ۳۷۹.

۳- ۱۴۳. کافی، ج ۱، ص ۵۰۵.

۴- ۱۴۴. بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰.

۲ - همـان گـونه که برادران یوسـف از عمـل ناشـایست خود توبه کردنـد، او نیز چنین نموده است. و لـذا برخی او را به جعفر توّاب لقب داده اند.

۳ - فرزنـدان یعقوب گرچه گنـاه مرتکب شدنـد، ولی خداونـد متعـال به جهت کرامت یعقوب از آنـان عفو نمود. همچنین در مورد جعفر، زیرا او فرزند امام، برادر امام، و عموی امام بود.

۴ - ممکن است که تشبیه، ناظر به اثبات خطا و گناه برای جعفر باشـد، همان گونه که اولاد یعقوب مرتکب گناه شدنـد، بدین معنا که هرگز نمی توان ادّعا کرد اولاد انبیا و اوصیا همانند خود آن ها از گناه معصومند، بلکه همان گونه که فرزندان یعقوب مرتکب گناه شدنـد، فرزنـد امام نیز ممکن است مرتکب گناه شود. در حقیقت، هـدف امام از تمثیل رفع اسـتبعاد از این جهت است.

انتقال امامت به دو برادر

احمـد کاتب می گویـد: «قول به عـدم جواز انتقال امامت به دو برادر بعـد از حسن و حسـین و وجوب اسـتمرار آن در اعقاب، ضعیف است، و اجماعی بر آن در آن وقت نبوده است ... ».

در پاسخ او می گوییم:

جمهور شـیعه امامیه و مشـهور بلکه متواتر نزد آنان قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام، قول به عدم جواز انتقال امامت به دو برادر بعد از امام حسن و امام حسین علیهما السلام است.

اسماعیل بن علی نوبختی می گوید: «از اخبار متواتر از امامان صادق علم پیدا نمودیم که امامت بعد از حسن و حسین علیهما السلام تنها در اولاد امام خواهد بود نه در برادر یا اقوام».(۱)

اشعری قمی(۲) و علی بن حسن نوبختی(۳) نیز همین اعتقاد را داشته اند.

از برخی روایات نیز این مطالب به خوبی استفاده می شود:

کلینی به سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «لاـ تعودُ الإمامه فی الأـخوین بعد الحسن والحسین أبداً»؛(۴) «بعد از حسن و حسین هرگز امامت در دو برادر نخواهد بود.»

و نیز به سند دیگر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «لا تجتمع الإمامه فی أخوین بعد الحسن و الحسین إنّما هی فی الأعقاب وأعقاب الأعقاب.»؛(۵) «امامت در دو برادر بعد از حسن و حسین جمع نخواهد شد. همانا امامت در نسل ها و نسل های نسل هاست.»

و نیز از اسماعیل بن بزیع نقل شده که از امام رضاعلیه السلام سؤال شد: «أنّه سُئِل: أ تکون الإمامه فی عمٍّ أو خالٍ؟ فقال: لا. فقلتُ: ففی أخٍ، قال: لا ... »؛(۶) «آیا امامت در عمو یا دایی قرار خواهد گرفت؟ فرمود: خیر. عرض کردم: دو برادر چطور؟ فرمود: خیر ... ».

۱- ۱۴۵. کمال الدین، ص ۹۲.
۲- ۱۴۶. المقالات و الفرق، ص ۱۰۲.
۳- ۱۴۷. فرق الشیعه، ص ۱۱۰.
۴- ۱۴۸. کافی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۱.
۵- ۱۴۹. همان، ص ۲۸۶، ح ۴.
۶- ۱۵۰. همان، ح ۳.

تعزیت به جعفر

احمد کاتب می گوید: «مطابق حدیث ابو الأدیان عموم شیعه که در ضمن آن ها نایب اول وجود داشت به جعفر در سوگ امام عسکری علیه السلام تعزیت گفته و نیز به جهت امامت او، تهنیت گفتند.

در پاسخ او می گوییم:

۱ - با مراجعه به حدیث ابو الأدیان(۱) پی می بریم که برداشت احمد کاتب به طور عموم صحیح نیست. بلکه آنچه در آن حدیث آمده این است که ابو الأدیان می گوید: « ... وإذا أنا بجعفر بن علی أخیه بباب الدار والشیعه حوله یعزّونه ویهنّئونه ... »؛ « ... ناگهان جعفر بن علی برادر امام عسکری علیه السلام را کنار درب خانه دیدم در حالی که شیعیانی که دور او بودند به او تعزیت و تبریک می گفتند.» از این تعبیر استفاده می شود که برخی از شیعیان که هنوز امر امامت حضرت مهدی علیه السلام به جهت اختفای ولادت روشن نشده بود به گمان اینکه او امام است درصدد تهنیت او برآمدند.

۲ - در این روایت اثری از نایب اول عثمان بن سعید که به جعفر تعزیت و تبریک بگوید وجود ندارد. و این نسبتی دروغ است که کاتب به نایب اول داده است.

۳ - با مراجعه به مجموعه روایت ابو الأدیان استفاده می شود که جعفر در ادّعای خود دروغ گو بوده است.

ابوالادیان می گوید: «فلمّا صرنا فی الدار إذا نحن بالحسن بن علی صلوات

۱- ۱۵۱. کمال الدین، ص ۴۷۵و۴۷۶؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۶۷، ح ۵۳.

اللّه علیه علی نعشه مکفّنا فتقدم جعفر بن علی لیصلّی علی أخیه، فلمّا همّ بالتکبیر خرج صبیّ بوجهه سمره، بشعره قطط، بأسنانه تفلیج، فجبذ برداء جعفر بن علی وقال: تأخّر یا عمّ فأنا أحق بالصلاه علی أبی، فتأخر جعفر، وقد اربد وجهه واصفر فتقدّم الصبی وصلّی علیه ودفن إلی جانب قبر أبیه علیهما السلام ثمّ قال: یا بصری هات جوابات الکتب التی معک، فدفعتها إلیه»؛(۱) « ... هنگامی که به خانه حضرت رسیدم مشاهده کردم که نعش حسن بن علی علیهما السلام کفن پیچ است. جعفر جلو آمد تا بر جنازه برادرش نماز بگذارد، همین که خواست تکبیر نماز میّت بگوید، کودکی گندم گون، با موهایی فری، دندان هایی باز، از پشت پرده بیرون آمد و ردای جعفر بن علی را کشید و فرمود: «کنار برو ای عمو، زیرا من سزاوارترم که بر پدرم نماز گزارم». جعفر در حالی که رنگ صورتش تغییر کرده بود کنار رفت. این کودک جلو آمد و بر جنازه امام عسکری علیه السلام نماز گزارد و جنازه کنار قبر پدرش علیه السلام به خاک سپرده شد. آن گاه فرمود: ای بصری! جواب نامه هایی که با توست به من بده. من هم آن ها را به حضرت دادم ... ».

و نیز ابوالادیان می گوید: «هنگامی که جعفر را چنین دیدم با خود گفتم: اگر این مرد امام است پس در حقیقت امامت باطل شده است، زیرا من او را آن گونه که می شناسم شخصی است که شرب نبیذ (مسکر) می کند و نیز با جوسق قمار کرده و با طنبور بازی می کند ... ».(۲)

۱- ۱۵۲. کمال الدین، ص ۴۷۵ و ۴۷۶؛ بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۶۷، ح ۵۳.

۲- ۱۵۳. همان.

ولادت مهدی موعود «علیه السلام» از دیدگاه اهل سنت

ولادت مهدی موعود «علیه السلام» از دیدگاه اهل سنت

ص:۷۳

ولادت امام مهدی علیه السلام از موارد اختلاف شیعه و اهل سنت است؛ گرچه تعداد بی شماری از علمای اهل سنت، همانند شیعه امامیه معتقدند امام عسکری علیه السلام فرزندی به نام محمّد داشته است هم چنین برخی از آنان، همانند شیعه معتقدند که صاحب الزمان و مهدی وکسی که در آخر زمان قیام می کند همو است، اما بعضی دیگر، از اهل سنّت با این عقیده مخالفند. اکنون به بررسی این موضوع می پردازیم.

اعتراف اهل سنت به ولادت

اعتراف اهل سنت به ولادت

با مراجعه به کتاب های تاریخی و دیگر کتاب های اهل سنت پی می بریم که عده بسیاری از آن ها به ولادت حضرت مهدی علیه السلام اعتراف نموده اند. اینک به اسامی برخی از آنان اشاره می کنیم:

۱ – علاّمه شمس الدین قاضی ابن خلکان شافعی(متوفای ۶۸۱ه)

او می گوید: «ابوالقاسم محمّد بن الحسن العسکری، ابن علی الهادی، ابن محمّد الجواد المذکور قبله، ثانی عشر الائمه الاثنی عشر علی اعتقاد الامامیه المعروف بالحجه ... کانت ولادته یوم الجمعه منتصف شعبان سنه ۲۵۵ ه ولمّا توفّی ابوه کان عمره خمس سنین»؛(۱) «ابوالقاسم محمّد بن حسن

۱- ۱۵۴. وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶.

عسکری فرزند علی هادی فرزند محمّد جواد، دوازدهمین امام نزد شیعه دوازده امامی معروف به حجّت ... ولادت او در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد. هنگام وفات پدرش پنج سال داشت ... ».

۲ – علاّمه صلاح الدین خلیل بن أیبک صفدی

«الحجه المنتظر محمّد بن الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمّد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمّد الباقر بن زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب رضی اللّٰه عنهم، الحجه المنتظر، ثانی الأئمه الإثنی عشر، هـذا الـذی تزعم الشیعه انّه المنتظر القائم المهـدی ... ولد نصف شعبان سنه خمس وخمسین ومأتین ... »؛(۱) «حجت منتظر محمّد بن حسن عسکری فرزند علی هادی، فرزند محمّد جواد، فرزند علی رضا، فرزند موسی کاظم، فرزند جعفر صادق، فرزند محمّد باقر، فرزند زین العابدین، فرزند حسین بن علی، فرزند علی بن ابی طالب، حجت منتظر، دوازدهمین امام نزد شیعه امامیّه که به اعتقاد آن ها، او قائم مهدی می باشد ... و در سال ۲۵۵ هجری نیمه شعبان متولد شده است ... ».

۳ – ابن اثیر جزری

وی در مورد حوادث سال ۲۶۰ هجری می گوید: «وفیها توفّی ... ابومحمّد العلوی العسکری وهو احد الأئمه الإثنی عشر علی مذهب الامامیه، وهو والد محمّد الذی یعتقدونه المنتظر بسرداب سامراء ... »؛(۲) «در آن سال ابو محمّد علوی عسکری وفات یافت. او یکی از امامان دوازده گانه طبق مذهب

۱- ۱۵۵. الوافی بالوفیات، ج ۲، ص ۳۳۶.

۲- ۱۵۶. الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۴۵۴.

امامیه است. فرزند او محمّد است که امامیه در سرداب سامرا به انتظار او نشسته اند ... ».

۴ – علامه میر خواند

«کانت ولاده الامام المهدی المسمی باسم الرسول صلی الله علیه وآله والمکنّی بکنیته بسرّ من رأی فی لیله النصف من شعبان سنه ۲۵۵، وکان عمره وقت وفاه ابیه خمس سنین. آتاه الحکمه کما آتاها یحیی صبیاً وجعله فی الطفولیه اماماً، کما جعل عیسی نبیاً»؛(۱) «ولادت امام مهدی که هم نام رسول اکرم صلی الله علیه وآله و هم کنیه با او است در سامرا نیمه شعبان سال ۲۵۵ اتفاق افتاد. عمر او هنگام وفات پدرش پنج سال بود. خداوند متعال در آن سن به او حکمت داد؛ همان گونه که در کودکی به حضرت یحیی عنایت فرمود و او را امام قرار داد و حضرت عیسی را نیز به مقام نبوت برگزید ... ».

۵ – علی بن حسین مسعودی (متوفای ۳۴۶ه)

«وفی سنه ستین و مأتین قبض ابومحمّد الحسن بن علیّ بن محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی ابی طالب – علیهم السلام – فی خلافه المعتمد، وهو ابن تسع وعشرین سنه وهو ابوالمهدی المنتظر والامام الثانی عشر ... »؛(۲) «در سال ۲۶۰ هجری ابو محمّد حسن بن علی بن محمّد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام در عصر خلافت معتمد عباسی رحلت نمود، در حالی که ۲۹ سال داشت. او پدر مهدی منتظر و امام دوازدهم امامیّه است ... ».

ص:۷۷

۱– ۱۵۷. روضه الصفا، ج ۳، ص ۵۹.

۲– ۱۵۸. مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۲.

۶ – ابوالفداء اسماعیل بن علی شافعی (متوفای ۷۳۲ه)

او در رخدادهای تاریخ سال ۲۵۴ه می گوید: «والحسن العسکری المذکور هو والد محمّد المنتظر صاحب السرداب. ومحمّد المنتظر المذکور هو ثانی عشر الائمه الاثنی عشر علی رأی الامامیه. ویقال له: القائم والمهدی والحجه ... »؛(۱) «حسن عسکری پدر محمّد منتظر صاحب سرداب است. محمّد منتظر طبق رأی امامیه دوازدهمین امام است. از القاب او قائم، مهدی وحجت است ... ».

۷ – علاّمه محمّد فرید وجدی

او می گوید: «ابوالقاسم محمّد بن الحسن العسکری بن علیّ الهادی ... هو ثانی عشر الأئمه الإثنی عشر فی اعتقاد الامیه المعروف بالحجه ... فهم یدعون انّه دخل السرداب فی دار ابیه وامّه تنظر الیه فلم یخرج بعدُ الیها ... »؛(۲) «ابوالقاسم محمّد بن حسن عسکری فرزند علی هادی ... بنا بر اعتقاد امامیه، دوازدهمین امام از امامان و معروف به حجت است ... شیعه معتقد است که او داخل سرداب خانه پدرش شده در حالی که مادرش او را نظاره می کرد و هنوز خارج نشده است ... ».

۸ – سبط بن جوزی

وی در فصلی راجع به امام حجت حضرت مهدی علیه السلام می گوید: «محمّد بن الحسن بن علی بن محمّد ... وکنیته ابوعبداللَّه وابوالقاسم وهو الخلف الحجه

ص:۷۸

۱– ۱۵۹. المختصر فی اخبار البشر، معروف به تاریخ ابوالفداء، ج ۱، ص ۳۶۱.

۲– ۱۶۰. دائره المعارف، ج ۶، ص ۴۳۹.

صاحب الزمان القائم والمنتظر ... »؛(۱) «محمّد بن حسن بن علی بن محمد ... کنیه او ابوعبداللّٰه و ابوالقاسم است و او جانشین و حجت، صاحب الزمان و قائم و منتظر است ... ».

۹ – محمّد بن طلحه شافعی

او در شرح حال امام مهدی علیه السلام می گوید: «محمّد بن الحسن الخالص بن علی المتوکل بن محمّد ... فامّا مولده فبسرّ من رأی ... وکنیته: ابوالقاسم ولقبه: الحجه والخلف الصالح، وقیل: المنتظر»؛(۲) «محمّد بن حسن خالص فرزند علی متوکل فرزند محمّد ... در سامرا متولد شد ... کنیه اش ابوالقاسم و لقبش حجّت، خلف صالح و بنا بر قولی منتظر است ... ».

۱۰ – شمس الدین محمّد بن طولون حنفی (متوفای ۹۵۳ه)

او در شرح حال امامان می گوید: «وثانی عشرهم ابنه محمّد بن الحسن، وهو ابوالقاسم ... کانت ولادته – رض – یوم الجمعه منتصف شعبان سنه خمس وخمسین و مأتین. ولمّا توفّی ابوه المتقدم ذکره – رضی اللّٰه عنهما – کان عمره خمس سنین»؛(۳) « ... دوازدهمین آنان، فرزندش محمّد بن حسن ابوالقاسم است ... ولادتش در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد و هنگام وفات پدر، پنج سال داشت ... ».

۱۱ – میرزا محمّد بن رستم بدخشی شافعی

او در شرح حال امام حسن عسکری می گوید: «و لم یترک ولداً الاّ محمّد

ص:۷۹

۱- ۱۶۱. تذکره الخواص، ص ۳۷۷.

۲- ۱۶۲. مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول، ج ۲، ص ۱۵۲ و ۱۵۳، باب ۱۲.

۳- ۱۶۳. الشذرات الذهبیه، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

المتنظر ... »؛(۱) « ... او فرزندی جز محمّد منتظر، از خود به جای نگذاشت ... ».

۱۲ – احمد بن حجر هیتمی شافعی

وی بعد از شرح حال ابومحمّد حسن عسکری می گوید: «ولم یخلف غیر ولده ابی القاسم محمد الحجه وعمره عند وفاه ابیه خمس سنین، لکن آتاه اللَّه فیها الحکمه. ویسمّی القائم المنتظر»؛(۲) «حسن عسکری فرزندی جز ابی القاسم محمّد حجت بر جای نگذاشت. عمرش هنگام وفات پدر، پنج سال بود. اما خداوند به او در آن پنج سال حکمت آموخت. او را قائم منتظر می نامند ... ».

۱۳ – محیی الدین بن عربی

او می گوید: «و اعلموا انّه لابدّ من خروج المهدی علیه السلام، لکن لا یخرج حتی تمتلئ الارض جوراً وظلماً فیملؤها قسطاً وعدلاً ... وهو من عتره رسول اللَّه صلی الله علیه وآله من ولد فاطمه رضی اللَّه عنها، جده الحسین بن علی بن ابی طالب. ووالده حسن العسکری ابن الامام علیّ النقی ... یواطی اسمه اسم رسول اللَّه صلی الله علیه وآله یبایعه المسلمون بین الرکن والمقام ... »؛(۳) «بدانید که خروج مهدی حتمی است. خروج نمی کند تا زمین پر از جور و ظلم شده باشد؛ آن گاه آن را پر از عدل و داد خواهد کرد ... او از عترت رسول خدا و از فرزندان فاطمه است. جدش حسین بن علی بن ابی طالب و پدرش حسن عسکری فرزند امام علّی نقی ... و هم نام رسول خداوند است. مسلمانان با او بین رکن و مقام بیعت می کنند ... ».

۱۴ – مؤمن بن حسن شبلنجی شافعی (متوفای ۱۲۹۸ه)

او می گوید: «کانت وفاه ابی محمّد الحسن بن علی فی یوم الجمعه لثمان

ص:۸۰

۱- ۱۶۴. مفتاح النجا فی مناقب آل العباس، ص ۱۰۴.

۲- ۱۶۵. صواعق المحرقه، ص ۲۰۸.

۳- ۱۶۶. فتوحات مکیه، باب ۳۶۶.

خلون من شهر ربیع الاول سنه ستین و مأتین. وخلّف من الولد ابنه محمّداً ... امّه امّ ولد یقال لها نرجس ... وکنیته ابوالقاسم. ولقّبه الامامیه بالحجه والمهدی والخلف الصالح والقائم والمنتظر وصاحب الزمان واشهرها المهدی»؛(۱) «وفات ابی محمّد حسن بن علی در روز جمعه هشتم ربیع الاوّل سال ۲۶۰ه اتفاق افتاد. او فرزندی به جای گذاشت که نامش محمّد است. مادرش امّ ولد و نرجس نام داشت. کنیه اش ابوالقاسم و القابش نزد امامیه: حجت، مهدی، خلف صالح، قائم، منتظر و صاحب الزمان است و مشهورترین آن ها مهدی است ... ».

۱۵ – ابوالولید محمّد بن شحنه حنفی

«ولد لهذا الحسن [العسکری] ولده المنتظر ثانی عشرهم. یقال له المهدی و القائم والحجه، محمّد. ولد فی سنه خمس وخمسین و مأتین»؛(۲) «خداوند به حسن عسکری فرزندی عنایت فرمود که انتظار او را می کشیدند. وی دوازدهمین امام نزد امامیّه است. نامش محمّد و القابش مهدی، قائم و حجت است. ولادتش در سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد».

۱۶ – شیخ محمّد بن علی صبان شافعی

وی ولادت حضرت حجت علیه السلام را از شعرانی و محیی الدین ابی عربی نقل می کند و بر آن ایرادی نمی گیرد که این دلیل بر قبول داشتن آن قول است.(۳)

۱– ۱۶۷. نورالابصار، ص ۳۴۱ و ۳۴۲.

۲– ۱۶۸. روضه المناظر در حاشیه مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۹۴.

۳– ۱۶۹. اسعاف الراغبین در حاشیه نور الابصار، ص ۱۵۴.

۱۷ – شیخ صفی الدین عبدالمؤمن بغدادی (متوفای ۷۳۹ه)

او می گوید: «و فی هذا المشهد یعنی مشهد العسکریین علیهما السلام سرداب فیه سرب تزعم الرافضه انّه کان للحسن بن علی الذی ذکرناه، له ابن اسمه محمد صغیر غاب فی ذلک السرب ... »؛(۱) «در این مشهد – یعنی مشهد عسکریین علیهما السلام – سردابی است که رافضه معتقدند برای حسن بن علی است. از او فرزندی است به نام محمّد صغیر که می گویند در آن سرداب مخفی شده است ... ».

۱۸ – شیخ زین الدین عمر بن وردی (متوفای ۷۴۹ه)

«و الحسن العسکری والد محمّد المنتظر صاحب السرداب والمنتظر ثانی عشرهم ویلقب ایضاً: القائم والمهدی والحجه. ومولد المنتظر سنه خمس وخمسین ومأتین ... »؛(۲) « ... و حسن عسکری پدر محمّد منتظر صاحب سرداب دوازدهمین امام شیعه. لقبش قائم، مهدی و حجّت است. ولادت او در سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد ... ».

۱۹ – ابوالعباس احمد بن علی قلقشندی شافعی

او که عالمی متخصّص در انساب است، در بیان نسب امام جعفر صادق و فرزندان آن حضرت، فرزندش مهدی علیه السلام را از امام عسکری علیه السلام دوازدهمین امام شیعیان به حساب می آورد که شیعه معتقد به زنده بودن اوست. از ظاهر عبارت او استفاده می شود که قلقشندی معتقد به ولادت امام مهدی علیه السلام است، ولی اعتقاد به زنده بودن را به شیعه نسبت می دهد.(۳)

ص:۸۲

۱- ۱۷۰. مراصد الاطلاع، ج ۲، ص ۶۸۵.

۲- ۱۷۱. تتمه المختصر فی اخبار البشر، ج ۱، ص ۳۱۹.

۳- ۱۷۲. نهایه الارب، ص ۱۱۸.

۲۰ – ابو عبداللّٰه یاقوت حموی

او عبارتی شبیه صفی الدین عبدالمؤمن بغدادی آورده است.(۱)

۲۱ – محمّد امین بغدادی معروف به سویدی

او که از متخصّصان در انساب است، می گوید: «محمّد المهدی، وکان عمره عند وفاه ابیه خمس سنین ... زعم الشیعه ... انّه صاحب السیف القائم المنتظر قبل قیام الساعه. وله قبل قیامه غیبتان احد هما اطول من الأخری»؛(۲) «محمّد مهدی، عمرش هنگام وفات پدر پنج سال بود ... شیعه او را همان صاحب شمشیری می داند که قبل از برپایی قیامت قیام خواهد کرد. او را دو غیبت است که یکی از آن دو از دیگری طولانی تر است».

۲۲ – ابن خلدون مغربی (متوفای ۸۰۸ه)

او می گوید: «نقلوا الخلافه من جعفر ... الی ابنه موسی الکاظم وولده علی سلسله واحده الی تمام الاثنی عشر وهو محمّد المهدی»؛ «رافضه خلافت را بعد از جعفر بن محمّد به فرزندش موسی کاظم و از او به فرزندش رضا و از او به جواد و از او به علی و سپس عسکری و از او به فرزندش محمّد مهدی منتقل نموده اند ... ».(۳)

از این عبارت استفاده می شود که ابن خلدون ولادت حضرت علیه السلام را قبول دارد، ولی خلافت او را به شیعه نسبت می دهد.

۲۳ – ابوالفتح محمّد بن عبدالکریم شهرستانی (متوفای ۵۴۸ ه)

او می گوید: «و بعده ابنه محمّد القائم المنتظر الذی بسّر من رأی وهو

۱– ۱۷۳. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۷۳.

۲– ۱۷۴. سبائک الذهب، ص ۷۸.

۳– ۱۷۵. تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۳۶۱.

الثانی عشر. هذا هو طریق الامامیه فی زماننا»؛(1) « ... بعد از حسن عسکری فرزندش محمّد قائم منتظر - که ساکن سامرا بود - نزد شیعه به امامت رسید. او دوازدهمین امام نزد آنان است».

۲۴ - نور الدین ابن صباغ مالکی

او در فصل دوازدهم از کتابش می گوید: «ابوالقاسم محمّد الحجه الخلف الصالح ابن ابی محمّد الحسن الخالص وهو الامام الثانی عشر. ثم ذکر تاریخ ولادته ودلائل امامته»؛(2) «ابوالقاسم محمّد حجت خلف صالح فرزند ابو محمّد حسن خالص، امام دوازدهم است. آن گاه به تاریخ ولادت و دلایل امامت او می پردازد ... ».

۲۵ - محمّد بن محمود بخاری معروف به خواجه پارسا حنفی

وی چنین می گوید: «من ائمه اهل البیت الطیبین ابو محمّد الحسن العسکری ... لم یخلف ولداً غیر ابی القاسم محمّد المنتظر المسمّی بالقائم والحجه والمهدی وصاحب الزمان وخاتم الائمه الاثنی عشر عند الامامیه. وکان مولد المنتظر لیله النصف من شعبان سنه ۲۵۵»؛(3) «از امامان اهل بیت طیبین ابو محمّد حسن عسکری است ... او فرزندی جز ابوالقاسم محمّد منتظر معروف به قائم، حجت، مهدی، صاحب الزمان و خاتم امامان دوازده امامی نزد امامیه بر جای نگذاشت. ولادتش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری بوده است ... ».

ص:۸۴

۱- ۱۷۶. الفصول المهمه، ص ۲۷۳.

۲- ۱۷۷. الفصول المهمه، ص ۲۷۳.

۳- ۱۷۸. المرقاه فی شرح المشکاه، ج ۱۰، ص ۳۳۶ و ۳۳۷.

۲۶ – ملاعلی قاری حنفی مکّی (متوفای ۱۰۱۴ه)

وی در شرح حدیث دوازده خلیفه می گوید: «و قد حمل الشیعه الاثنی عشریه علی انّهم من اهل بیت النبوه متوالیه ... فاولّهم علیّ ... فمحمّد المهدی رضوان اللّٰه علیهم اجمعین»؛(۱) «شیعه دوازده امامی آن ها را بر اهل بیت نبوت به طور پیاپی منطبق می کند ... که اوّل آن ها علی علیه السلام است و ... آخر آن ها محمّد مهدی است. رضوان اللّٰه علیهم أجمعین».

۲۷ – فضل بن روز بهان

او در سلام هایی که بر هر یک از امامان از ذریه رسول خداصلی الله علیه وآله می دهد، به اینجا می رسد: «سلام علی القائم المنتظر ابی القاسم»؛(۲) «سلام بر قائم منتظر ابی القاسم ... ».

۲۸ – جمال الدین محمّد بن یوسف زرندی حنفی(متوفای ۷۵۰ه۳۲)

او می گوید: «الامام الثانی عشر صاحب الکرامات المشتهر الذی عظم قدره بالعلم واتباع الحق والأثر، القائم بالحق والداعی الی نهج الحق ... وکان مولده علی ما نقلته الشیعه لیله الجمعه للنصف من شعبان خمس وخمسین و مأتین بسرّ من رأی فی زمان المعتمد. وامه نرجس بنت قیصر الرومیه ... »؛(۳) «امام دوازدهم صاحب کرامات مشهور، کسی که عظیم القدر در علم و پیروی از حق و سنت نبوی است. کسی که قائم به حق و دعوت کننده به راه حقّ است. ولادت امام ابوالقاسم محمّد بن حسن مطابق نقل شیعه، زمان پادشاهی

۱- ۱۷۹. المرقاه فی شرح المشکاه، ج ۱۰، ص ۳۳۶ و ۳۳۷.

۲- ۱۸۰. دلائل الصدق، ج ۲، ص ۳۷۰.

۳- ۱۸۱. معراج الوصول الی معرفه فضل آل الرسول.

معتمد عباسی، شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در سامرا اتفاق افتاده است. مادرش نرجس دختر قیصر روم بود ... ».

۲۹ – قاضی بهلول بهجت افندی

«ولد فی الخامس عشر من شعبان سنه ۲۵۵، وانّ اسم امّه نرجس وانّ له غیبتین الاولی الصغری والثانیه الکبری وصرّح ببقائه، وانّه یظهر حین اذن اللّه تعالی بالظهور، ویملأ الأرض قسطاً وعدلاً ... »؛(۱) «ولادت امام دوازدهم در پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ بود. اسم مادرش نرجس است. برای او دو غیبت است. یکی صغری و دیگری کبری و تصریح به بقایش کرده است. هر گاه که خداوند به او اذن دهد ظهور می کند، آن گاه زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد ... ».

۳۰ – حافظ محمّد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ه)

او در باب ۲۵ از کتاب خود، در بحث از طول عمر حضرت علیه السلام می گوید: «ولا امتناع فی بقائه بدلیل بقاء عیسی والیاس والخضر من اولیاء اللّه تعالی، وبقاء الدجال وابلیس الملعونین من اعداء اللّه تعالی ... »؛(۲) «بقایش استبعادی ندارد، زیرا حضرت عیسی و الیاس و خضر از اولیای الهی عمر طولانی دارند و نیز دجال و ابلیس ملعون از دشمنان خداوند عمر طولانی کردند ... ».

۳۱ – احمد امین مصری

او نیز معتقد به ولادت حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام است و این که شیعه معتقد به امامت او به عنوان دوازدهمین امام است، تنها در

ص:۸۶

۱- ۱۸۲. المحاکمه فی تاریخ آل محمّد، ص ۲۴۶.

۲- ۱۸۳. البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۱۴۸.

امامت آن بزرگواران اشکال می گیرد ولی ولادت آن حضرت را قبول می کند.(۱)

۳۲ – شیخ حسین بن محمّد دیار بکری مالکی (متوفای ۹۶۶ه)

او می گوید: «الثانی عشر محمّد بن الحسن بن علی بن محمّد بن علی الرضا، یکنی اباالقاسم، ولقّبه الامامیه بالحجه والقائم والمهدی والمنتظر وصاحب الزمان. وهو عندهم خاتم الإثنی عشر ... »؛(۲) «دوازدهمین آن ها محمّد بن حسن بن علی بن محمّد بن علی الرضا است. کنیه اش ابوالقاسم و لقبش نزد امامیه: حجت، قائم، مهدی، منتظر و صاحب الزمان است. او نزد امامیه دوازدهمین امام است ... ».

۳۳ – شمس الدین ذهبی شافعی (متوفای ۷۴۸ه)

او در برخی از کتاب هایش به ولادت حضرت مهدی علیه السلام اعتراف نموده است:

الف) در کتاب العبر فی خبر من غبر(۳) می گوید: «محمّد بن الحسن العسکری بن علی الهادی بن محمّد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق العلوی الحسینی ابوالقاسم، الذی تلقبه الرافضه الخلف الحجه وتلقبه بالمهدی وبالمنتظر وتلقبه بصاحب الزمان وهو خاتمه الاثنی عشر»؛ «محمّد بن حسن عسکری بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق علوی حسینی ابوالقاسم. رافضه او را خلف حجت، مهدی، منتظر، صاحب الزمان و خاتم دوازده امام لقب داده اند».

ص:۸۷

۱- ۱۸۴. ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۱۰ – ۲۱۲.
۲- ۱۸۵. دیار بکری، تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۲۸۸.
۳- ۱۸۶. العبر فی الخبر من غبر، ج ۱، ص ۳۸۱.

ب) در کتاب «تاریخ الاسلام» (۱) می گوید: «و امّا ابنه محمد بن الحسن الذی یدعوه الرافضه القائم الخلف الحجه ... »؛ «فرزند امام حسن عسکری، محمّد بن حسن است. رافضه او را قائم و خلف حجت می نامند ... ».

ج) در کتاب سیر أعلام النبلاء(۲) می گوید: «المنتظر الشریف ابوالقاسم محمد بن الحسن العسکری ... خاتمه الإثنی عشر سیّداً»؛ «منتظر شریف، ابوالقاسم محمّد بن حسن عسکری ... خاتم دوازده امام بزرگوار ... ».

۳۴ – فخر رازی شافعی

وی در کتابی که در موضوع علم انساب تدوین کرده، می گوید: «امّا الحسن العسکری الامام فله ابنان وبنتان، امّا الإبنان فاحدهما صاحب الزمان – عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف – ... دلاله نصوص اکثر المؤرخین وارباب التراجم والمعاجم علی ولاده الحجه ابن القاسم محمّد بن الحسن بن علی العسکری علیهم السلام من صلب ابیه ومن رحم امه السیده نرجس فی سنه ۲۵۲ او ۲۵۵ او ۲۵۹ علی اختلاف فی ذلک وان کان الثابت عند اکثر الشیعه لیله النصف من شعبان سنه ۲۵۵»؛(۳) «امّا حسن عسکری، او دو پسر و دو دختر داشت. یکی از پسرانش صاحب الزمان – عجل اللّه تعالی فرجه الشریف – است ...

آن گاه می نویسد: نصوص اکثر مورّخان و صاحبان تراجم و معاجم بر ولادت حجت ابی القاسم محمّد بن حسن بن علی عسکری علیهم السلام اتفاق دارد. او از صلب پدر

ص:۸۸

۱- ۱۸۷. تاریخ الاسلام، ص ۱۱۳، حوادث و وفیات سال ۲۵۱ – ۲۶۰.

۲- ۱۸۸. سیر أعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۱۹، رقم ۶۰.

۳- ۱۸۹. الشجره المبارکه فی أنساب الطالبیه، ص ۷۸ و ۷۹.

و از رحم مـادرش نرجس خاتون در سال ۲۵۲ یا ۲۵۵ یا ۲۵۹ هجری به دنیا آمد، اگر چه طبق نظر شیعه در سال ۲۵۵ در شب نیمه شعبان به دنیا آمده است ... ».

۳۵ – علامه نسّابه سید محمّد بن حسین حسینی سمرقندی مدنی (متوفای ۹۹۶ه)

او می گویـد: «امّا ولـده محمـد المهدی ... فهو الثانی عشر من الأئمه ولد یوم الجمعه منتصف شعبان سنه خمس وخمسین و مـائتین ... وکنیته ابوالقـاسم والقابه الحجه والخلف الصالـح والقائم والمنتظر وصاحب الزمان واشـهرها المهـدی ... وکان عمره حین توفی ابوه خمس سنین»؛(۱) «فرزند حسن عسـکری، محمّد مهدی است ... او دوازدهمین امام از ائمه است. در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولّـد شد ... کنیه اش ابوالقاسم والقابش: حجت، خلف صالح، قائم، منتظر و مشـهورترین آن ها مهدی است ... وی هنگام وفات پدر پنج سال داشت».

۳۶ – شریف انس کُتُبی حسنی

وی در تعلیقه خود بر کتاب تحفه الطالب می گویـد: «اختفی الامام المهدی فی سنّ مبکّر. والامر مسـلّم بین السـنّه والشـیعه علی اختفائه وعـدم ظهوره. وقد اثبت لنا الکتب التاریخیه انّ المهدی دخل السـرداب وهو صـغیر السنّ فلم یکن له عقب وهذا ما اثبته کتب الانساب ... »؛(۲) «امام مهدی در کودکی از مردم پنهان شد. این امر نزد شـیعه و سنّی مسلّم است. کتاب های تاریخ این مطلب

۱- ۱۹۰. تحفه الطالب بمعروفه من ینتسب الی عبداللّه و ابی طالب، ص ۵۴ و ۵۵.

۲- ۱۹۱. تحفه الطالب، ص ۵۵.

را به اثبات رسانده که مهدی علیه السلام در کودکی داخل سرداب شد، در حالی که نسلی نداشت. کتاب های انساب نیز این مطلب را به اثبات رسانده اند ...».

همو در کتاب الأصول فی ذریّه البضعه البتول(۱) می نویسد: «و توفّی الحسن العسکری فی اوائل ملک احمد بن المتوکل بسرّ من رأی مسموماً ... وله من الولد محمد المهدی ... وکنیته ابوالقاسم وابوعبداللَّه والقابه الحجه والخلف الصالح والقائم والمنتظر والتالی وصاحب الزمان واشهرها المهدی ... و کان عمره حین توفّی ابوه خمس سنین ...»؛ «حسن عسکری در اوایل سلطنت احمد بن متوکل در سامرا با سمّ به شهادت رسید ... او فرزندی به نام محمّد مهدی از خود به جای گذاشت ... کنیه اش ابوالقاسم و ابو عبداللَّه است. و القابش: حجت، خلف صالح، قائم، منتظر، تالی، صاحب الزمان و مشهورترین آن ها مهدی است ... عمرش هنگام فوت پدر پنج سال بود».

۳۷ – شیخ عبداللَّه بن محمّد شبراوی مصری شافعی (متوفای ۱۱۷۲ ه)

او می گوید: «الثانی عشر من الائمه ابوالقاسم محمد الحجه الامام. قیل: هو المهدی المنتظر. ولد الامام محمّد الحجه ابن الامام الحسن الخالص – رض – بسرّ من رأی لیله النصف من شعبان سنه خمس وخمسین ومائتین قبل موت ابیه بخمس سنین، وکان ابوه قد اخفاه حین ولد وستر امره لصعوبه الوقت وخوفه من الخلفاء ... وکان الامام محمّد الحجه یلقب ایضاً بالمهدی والقائم والمنتظر والخلف الصالح وصاحب الزمان واشهرها

۱- ۱۹۲. الأصول فی ذریّه بضعه البتول، ص ۹۸ و ۹۹.

المهدی. ولذلک صحّت الاحادیث بانّه یظهر آخرالزمان ... »؛(۱) «دوازدهمین از امامان، ابوالقاسم محمّد حجت امام؛ برخی او را همان مهدی منتظر می دانند. ولادت محمّد حجت فرزند حسن خالص رضی الله عنه در سامرا نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری پنج سال قبل از وفات پدرش اتفاق افتاد. پدرش به دلیل ترس از خلفا او را از مردم مخفی می داشت. او ملقّب به مهدی، قائم، منتظر، خلف صالح، و صاحب الزمان است. و مشهورترین آن ها مهدی است. شیعه می گوید: احادیث صحیح دلالت دارد بر این که او در آخرالزمان ظهور خواهد کرد ... ».

۳۸ – ابن عماد دمشقی حنبلی (متوفای ۱۰۸۹ه)

وی در مورد حوادث سال ۲۶۰ هجری می گوید: «وفیها توفّی الحسن بن علی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق العلوی الحسینی، احد الاثنی عشر الذین تعتقد الرافضه فیهم العصمه، وهو والد المنتظر محمّد صاحب السرداب»؛(۲) «در آن سال حسن بن علی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق علوی حسینی یکی از امامان دوازده گانه به اعتقاد رافضه، از دار دنیا رحلت نمود. او پدر منتظر محمّد صاحب سرداب است».

۳۹ – جمال الدین احمد بن علی حسینی معروف به ابن عنبه (متوفای ۸۲۸ه)

او می گوید: «و امّا علیّ الهادی فیلقّب بالعسکری لمقامه بسرّ من رأی ...

ص:۹۱

۱- ۱۹۳. الاتحاف بحبّ الأشراف، باب ۵، ص ۱۷۹ و ۱۸۰.

۲- ۱۹۴. شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ج ۳، ص ۲۶۵.

واعقب من رجلین هما الامام ابو محمّد الحسن العسکری علیه السلام واخوه جعفر. کان من الزهد والعلم علی امرعظیم، وهو والد الامام محمّد القائم المنتظر عندهم من امّ ولد اسمها نرجس»؛(۱) «علی الهادی، ملقّب به عسکری به جهت سکونت در سامرا ... دو فرزند داشت: یکی از آن دو، ابو محمّد حسن عسکری علیه السلام و دیگری، جعفر است. حسن عسکری علیه السلام دارای زهد و علم فراوانی بود. او پدر امام محمّد مهدی دوازدهمین امام نزد امامیه صلوات اللّه علیه است. نزد آن ها کسی است که قیام خواهد کرد. مادرش ام ولد و اسمش نرجس است ... ».

۴۰ – محمّد بن عبدالرسول برزنجی شافعی (متوفای ۱۱۰۳ه)

وی با اعتقاد به ولادت فرزند امام حسن عسکری علیه السلام به نام محمّد، در غیبت صغرا و کبرا و ظهور او اشکال می کند.(۲)

۴۱ – ابو البرکات نعمان بن محمود آلوسی حنفی (متوفای ۱۳۱۷ ه)

او می گوید: «و المشهور من مذاهبهم مذهب الامامیه الاثنی عشریه انّ المهدی هو محمّد بن الحسن العسکری بن علیّ الهادی ... ویعرف عندهم بالحجه والمنتظر والقائم ... »؛(۳) «مشهورترین مذاهب شیعی، مذهب امامیه دوازده امامی است که می گوید: مهدی همان محمّد بن حسن عسکری بن علی الهادی ... است که نزد امامیّه معروف به حجت، منتظر و قائم است ... ».

کسانی که مهدی را همان موعود جهانی می دانند

کسانی که مهدی را همان موعود جهانی می دانند

عدّه ای از اهل سنّت که معتقد به ولادت حضرت مهدی علیه السلام هستند او را

ص:۹۲

۱- ۱۹۵. عمده الطالب فی أنساب آل أبی طالب، ص ۱۹۹.

۲- ۱۹۶. الإشاعه لأشراط الساعه، ص ۱۴۹.

۳- ۱۹۷. غالیه الواعظ، ج ۱، ص ۷۸.

همانند شیعه همان موعود جهانی می دانند. اینک به اسامی برخی از آنان اشاره می نماییم:

۱ – حافظ محمّد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ه)

او درباره امام ابی محمّد حسن عسکری چنین می گوید: (۱) «وخلّف ابنه وهو الامام المنتظر. صلوات اللّه علیه»؛ «از خود فرزندی به جای گذاشت که همان امام منتظر است. صلوات اللّه علیه».

۲ – عارف عبدالوهاب شعرانی حنفی

وی از برخی عرفا نقل می کند: «فهناك یترقّب خروج المهدی علیه السلام وهو من اولاد الامام حسن العسکری علیه السلام ومولده علیه السلام لیله النصف من شعبان سنه خمس وخمسین ومأتین. وهو باق الی ان یجتمع بعیسی بن مریم علیه السلام فیکون عمره الی وقتنا هذا وهو سنه ثمان وخمسین وتسعمائه، سبعمائه سنه وست سنین. هکذا اخبرنی الشیخ حسن العراقی»؛(۲) «در آخرالزمان امید خروج مهدی است. او از اولاد امام حسن عسکری علیه السلام است. ولادت او نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری اتفاق افتاد. او تا به حال زنده است تا این که با حضرت عیسی علیه السلام اجتماع کند. عمرش تا این زمان ۷۰۶ سال است. این چنین شیخ حسن عراقی به من خبر داد ...».

۳ – شیخ سلیمان قندوزی حنفی (متوفای ۱۲۹۴ه)

«فالخبر المعلوم المحقق عند الثقات انّ ولاده القائم علیه السلام کانت لیله

۱– ۱۹۸. کفایه الطالب، ص ۳۱۲.

۲– ۱۹۹. الیواقیت و الجواهر، ج ۲، ص ۱۲۷.

الخامس عشر من شعبان سنه خمس وخمسین ومأتین فی بلده سامراء»؛(۱) «خبر معلوم و تحقیق شده نزد افراد معتبر آن است که ولادت قائم در شب نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا اتفاق افتاده است ... ».

۴ – شیخ نور الدین عبدالرحمن جامی حنفی (متوفای ۸۹۸ه)

او حضرت حجت بن الحسن را دوازدهمین امام دانسته است، آن گاه با بیان تاریخ ولادت و احوال و برخی از معجزه هایش، می گوید: «الذی یملأ الارض عدلاً وقسطاً ... »؛(۲) «او کسی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد ... ».

۵ – شیخ الاسلام صدر الدین حموینی

او در باب ۳۱ از کتابش حدیثی را نقل می کند که دلالت صریح بر ولادت حضرت مهدی علیه السلام دارد. در آن حدیث که پیامبرصلی الله علیه وآله اسامی هر یک از اوصیا و امامان بعد از خود را بر می شمارد، در آخر می فرماید: «وانّ الثانی عشر من ولدی یغیب ... فحینئذ یأذن اللَّه تعالی له بالخروج ... »؛(۳) «همانا دوازدهمین از فرزندانم غیبت می کند ... تا این که خداوند متعال به او اذن خروج می دهد ... ».

۶ – شیخ فرید الدین عطار نیشابوری

او در شعری بعد از ذکر اسامی هر یک از امامان می فرماید:

صد هزاران اولیا روی زمین

از خدا خواهند مهدی را یقین

یا الهی مهدیم از غیب آر

تا جهان عدل گردد آشکار

۱– ۲۰۰. شواهد النبوّه ص ۴۰۴ – ۴۰۸.

۲– ۲۰۱. شواهد النبوّه ص ۴۰۴ – ۴۰۸.

۳– ۲۰۲. فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۳۲.

از تو ختم اولیای این زمان

و ز همه معنا نهانی جان جان

از تو هم پیدا و پنهان آمده

بنده عطّارت ثنا خوان آمده(۱)

۷ – جلال الدین بلخی رومی معروف به مولوی (متوفای ۶۷۲ه)

وی در دیوان معروف خود – طبق نسخه مدرسه عالی شهید مطهری و نسخه چاپ بمبئی هند – این قصیده را در مدح اهل بیت آورده است:

ای سرور مردان علی مستان سلامت می کنند

وی صفدر مردان علی مردان سلامت می کنند

تا این که بدین جا می رسد:

با میر دین هادی بگو با عسکری مهدی بگو

با آن ولی مهدی بگو مستان سلامت می کنند.(۲)

۸ – ابوالمعالی صدر الدین قونوی

وی هنگام وفات در وصیت خود به شاگردانش می گوید: «واقرؤا کلمه التوحید (لا اله الاّ اللّه) سبعین الف مرّه لیله الاولی بحضور القلب وبلّغوا منّی سلاماً إلی المهدی ... »؛(۳) « ... هفتاد هزار بار ذکر «لا إله إلّا اللّه» را در شب اوّل مرگم با حضور قلب بگویید و سلام مرا نیز به حضرت مهدی علیه السلام برسانید ... ».

۹ – احمد بن یوسف ابوالعباس قرمانی حنفی (متوفای ۱۰۱۹ ه)

او می گوید: «محمّد الحجه الخلف الصالح، وکان عمره عند وفاه ابیه خمس سنین آتاه اللّه فیها الحکمه کما أوتیها یحیی صبیا ... واتفق العلماء

۱- ۲۰۳. ینابیع الموده ج ۳، ص ۳۵۰ و ۳۵۱.

۲- ۲۰۴. همان، ج ۳، ص ۳۵۱.

۳- ۲۰۵. همان، ص ۳۴۰ و ۳۴۱.

علی انّ المهـدی هـو القـائم فی آخر الـوقت ... »؛(۱) «محمّـد حجت خلف صالـح، عمرش هنگام وفات پـدرش پنـج سال بود. خداونـد در آن سن به او حکمت آموخت، همـان گونه که در کودکی به حضـرت یحیی علیه السـلام آموخت ... علمـا اتفاق دارند بر این که مهدی همان قائم در آخرالزمان است ... ».

ص:۹۶

۱- ۲۰۶. أخبار الدول و آثار الأول، ج ۱، ص ۳۵۳.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام

۲ - امامت در سنین کودکی

۳ - امامت و غیبت

۴ - غیبت صغری

۵ - غیبت کبری

۶ - وظایف ما در عصر غیبت

۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام

۸ - بررسی دعای ندبه

۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر

۱۰ - دفاع از مهدویت

۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی

۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان

۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان

۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث

۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل

۱۶ - مهدویت و جهانی سازی

۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۱۸ - علایم ظهور

۱۹ - هنگامه ظهور

۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

ص:۹۷

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱ - قرآن کریم/چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

۲ - قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۳ - قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه

۴ - قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۵ - قرآن کریم/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای

۶ - کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران

۷ - کلیات مفاتیح الجنان/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای

۸ - منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای

۹ - منتخب مفاتیح الجنان/ جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای

۱۰ - نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی

۱۱ - صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای

۱۲ - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۳ - آئینه اسرار حسین کریمی قمی

۱۴ - آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی

۱۵ - آخرین پناه محمود ترحمی

۱۶ - آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات

۱۷ - آشنایی با چهارده معصوم (۱و۲)/شعر و رنگ آمیزی سیّد حمید رضا موسوی

۱۸ - آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی

۱۹ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۲۰ – ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۲۱ – از زلال ولایت واحد تحقیقات

۲۲ – اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۳ – امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

۲۴ – امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

۲۵ – امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سیّد محمّد حسین کمالی

۲۶ – امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام(روسی) آلمات آبسالیکوف

۲۷ – امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

۲۸ – امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۹ – انتظار بهار و باران واحد تحقیقات

۳۰ – انتظار و انسان معاصر عزیز اللّه حیدری

۳۱ – اهّمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی

۳۲ – با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی

۳۳ – بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی

۳۴ – بهتر از بهار/کودک شمسی (فاطمه) وفائی

۳۵ – پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی

۳۶ – پرچم هدایت محمد رضا اکبری

۳۷ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسیم و خشونت طلبی علی اصغر رضوانی

۳۸ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری علی اصغر رضوانی

۳۹ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد علی اصغر رضوانی

۴۰ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن علی اصغر رضوانی

۴۱ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی

۴۲ – تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۴۳ – تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۴۴ – تاریخچه مسجد مقدس جمکران/(فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات

۴۵ – تاریخ سید الشهداءعلیه السلام شیخ عباس صفایی حائری

۴۶ – تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی

۴۷ – تشرف یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری

۴۸ – جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام حسین علی پور

۴۹ – چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی

ص:۱۰۰

۵۰ – چهل حدیث /امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۵۱ – چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی

۵۲ – حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

۵۳ – حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۵۴ – ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

۵۵ – خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

۵۶ – خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی

۵۷ – خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۵۸ – دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

۵۹ – داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۶۰ – داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

۶۱ – در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف

۶۲ – در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی

۶۳ – در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای

۶۴ – دفاع از حریم امامت و ولایت(مختصر شب های پیشاور) کریم شنی

۶۵ – دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی

۶۶ – دین و آزادی محمّد حسین فهیم نیا

۶۷ – رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی

۶۸ – رسول ترک محمد حسن سیف اللهی

۶۹ – روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرّازی

۷۰ – زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات

۷۱ – سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

۷۲ – سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۷۳ – سرود سرخ انار الهه بهشتی

۷۴ – سقّا خود تشنه دیدار طهورا حیدری

۷۵ – سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

ص:۱۰۱

۷۶ – سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی

۷۷ – سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

۷۸ – سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام(دوجلدی) محمّد امینی گلستانی

۷۹ – سیمای مهدی موعودعلیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۸۰ – شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمّد حسین نائیجی

۸۱ – شمس وراء السحاب/ عربی السیّد جمال محمّد صالح

۸۲ – صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید

۸۳ – ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد اللّه هاشمی شهیدی

۸۴ – عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی

۸۵ – عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۸۶ – عطر سیب حامد حجّتی

۸۷ – عقد الدرر فی أخبار المنتظرعلیه السلام/عربی المقدس الشافعی

۸۸ – علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۸۹ – علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۹۰ – غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی

۹۱ – غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۹۲ – فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی

۹۳ – فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۹۴ – فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۹۵ – فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۹۶ – فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها(پخش) حسن صدری

۹۷ – فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

۹۸ – فریادرس حسن محمودی

۹۹ – قصه های تربیتی محمّد رضا اکبری

۱۰۰ – کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۱۰۱ – کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۱۰۲ - کمال الدین وتمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان

۱۰۳ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی

۱۰۴ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۱۰۵ - گفتمان مهدویت آیت اللّه صافی گلپایگانی

۱۰۶ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی

۱۰۷ - مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی

۱۰۸ - مشکاه الانوار علّامه مجلسی رحمه الله

۱۰۹ - مفرد مذکر غائب علی مؤذنی

۱۱۰ - مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی

۱۱۱ - منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله

۱۱۲ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی

۱۱۳ - منشور نینوا مجید حیدری فر

۱۱۴ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۱۵ - مهدی علیه السلام تجسّم امید و نجات عزیز اللّه حیدری

۱۱۶ - مهدی منتظرعلیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب

۱۱۷ - مهدی موعودعلیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علّامه مجلسی رحمه الله/ارومیه ای

۱۱۸ - مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی

۱۱۹ - مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی

۱۲۰ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی

۱۲۱ - ناپیدا ولی با ما / (فارسی،ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات

۱۲۲ – نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۲۳ – نجم الثاقب(دوجلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۲۴ – ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۲۵ – نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۱۲۶ – نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۲۷ – نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

ص:۱۰۳

۱۲۸ – نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۲۹ – نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری

۱۳۰ – و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۱۳۱ – واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۳۲ – وظایف منتظران واحد تحقیقات

۱۳۳ – ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۱۳۴ – هدیه احمدیه/(جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۳۵ – همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی

۱۳۶ – یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۳۷ – یار غائب از نظر(مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۳۸ – ینابیع الحکمه/عربی – پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم – صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ – ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳، ۶۶۹۲۸۶۸۷ – ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱ – ۰۳۵۱

فریدون کار: ۱۴ – ۵۶۶۴۲۱۲ – ۰۱۲۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹